

اداره راهنمای نامه نگاری یا نظارت بر سانسور مطبوعات در عصر رضاشاه

علی کریمیان

اگر چه با صدور فرمان مشروطیت، رشد شتابان روزنامه نگاری آزاد و ملی، قدرت سانسور و اختناق دولتی را بسرعت به سقوط کشاند و وزارت پرنفوذ «انطباعات» به گونه ای اجتناب ناپذیر، نابودی خود را پذیرفت، و قلم و بیان آزاد، به خدمت آگاهی و بیداری ملت درآمد؛ لیکن تاریک اندیشان حاکم، همانند همه مخالفان آزادی و پویایی اجتماعی نمی توانستند بسادگی در برابر اراده مردم آگاه، و اندیشمندان و مبارزان ترقیخواه، تسلیم شوند. از این رو برخورد آزادی با سانسور، کمابیش ادامه یافت و چه در زمان بمباران مجلس شورای ملی و استبداد صغیر - که مستبدان، به قلع و قمع مبارزان و آزادیخواهان پرداختند. و چه پس از آن، به هنگام برپایی مجلس دوم و سوم و بروز جنگ جهانی اول و گسترش نفوذ استعمار و انجام کودتای سید

ضیاءالدین، جدال دموکراسی با خودکامگی، آزادی با سانسور، همچنان ادامه داشت. اما در این میان مهمترین پدیده ای که پس از کشتار و تار و مار ساختن کوشندگان انقلاب مشروطیت و روشنفکران، در عرصه مبارزات سیاسی - اجتماعی و آزادیخواهان نمایان شد، احساس ناامیدی و یأس بود که جانسپین جنبش مردمی نخستین سالهای انقلاب مشروطیت شده بود، چندان که روزنامه رهنما، در شماره ۱۷۸ از سال دوم خود در دهم ربیع الاول ۱۳۳۹ ق، کمی پیش از کودتای سید ضیاءالدین طباطبائی و رضاخان میرپنج، فریاد برآورد: «من، می گویم در این مملکت آزادی وجود ندارد.» (۱) و استداهل، رئیس تشکیلات نظیمه نیز، در تاریخ شانزدهم شهر ربیع الاول ۱۳۳۹ ق، سوم دی ۱۲۹۹ ش، طی نامه ای به وزارت داخله، نوشت:

[سند شماره ۱]

نظمیة طهران - مقام منبع وزارت جلیله داخله

مرفومه محترمه به نمره ۱۵۳۴۵، صادره از دارالانشای مخصوص، متضمن سواد حکم ریاست محترم وزرای عظام می نماید که اداره نظیمه، همواره در نظر داشته که در موقع حکومت نظامی، بر خلاف مواد قوانین آن اقدامی نشود، و حالا که امر مؤکد صادر شده، لازم است امر و مقرر شود، در موقع طبع هر یک از روزنامه ها و جراید، یک نسخه مجاناً به اداره نظیمه بدهند و هر چند در قانون مطبوعات، تا یک اندازه مجازات مرتکبین خلاف مطبوعات معین شده، ولی برای اینکه نظیمه به طور تصریح تکلیف خود را در تعیین مجازات مرتکبین خلاف بداند، لازم است امر و مقرر فرمایند، مجازات آنها نیز معین و به اداره نظیمه نیز اعلام گردد تا از همان قرار، رفتار شود. رئیس کل تشکیلات نظیمه - و استداهل [و در حاشیه نامه، مرفوم شده]: «لازم بود، وزارت داخله، نظر خود را در این باب اظهار نماید.» (۲)

و همراه سید ضیاءالدین، روزنامه نگار نه چندان مشهور بود، اما در واقع مرکز ثقل قدرتی بود که قصد سیطره بر تمامی نهادهای رسمی و غیررسمی کشور را داشت. اعلامیه ای که ماده ای - که روز بعد از کودتا به امضای رضاخان منتشر شد - چشم انداز آینده و مرکز قدرت را در نظام سیاسی روشن نمود. این

اما بعد از کودتای سوم اسفند سال ۱۲۹۹ ش. - که منجر به فتح بدون خونریزی تهران توسط کودتاچیان و اعلام حکومت نظامی از سوی آنان شد - تکوین کانون جدیدی را در قدرت سیاسی (در بین سالهای ۱۲۹۹ - ۱۳۰۴ ش.) موجب گردید. رضاخان میرپنج، فرمانده بریگاد قزاق اگر چه ظاهراً یاور

اعلان، با تأکید بر جمله «حکم می‌کنم»، ضرورت سکوت و اطاعت تمامی هالی، ممنوعیت اجتماعات، تعطیلی دوائر دولتی و... را اعلام کرد (۲). ماده چهارم این اعلامیه به این شرح بود: «تمام روزنامه‌جات و اوراق مطبوعات، تا موقع تشکیل دولت، بکلی موقوف و بر حسب حکم و اجازه - که بعد داده خواهد شد - باید منتشر نگردد.» (۲)

به دنبال این اطلاعیه، دهها روزنامه نگار دستگیر و کلیه مطبوعات حتی

روزنامه رعد - که مدیرش، به رئیس الوزرائی دولت کودتا رسیده بود - توقیف گردید (۵). البته پس از سقوط کابینه سید ضیاء، مطبوعات، فعالیت خود را دوباره سامان دادند و به رغم مصائب و مشکلات زیاد، نشریات زیادی پایه عرصه فرهنگ گذاشتند که در این جا، فقط به فهرست امتیاز جراید در دو سال ۱۳۰۱ و ۱۳۰۲ ش. اکتفا شده است.

فهرست جرایدی که در طی دو سال ۱۳۰۱-۱۳۰۲ ش امتیاز نشر گرفتند:

[سند شماره ۲]

«وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، اداره شورای عالی، نمره ۱۱۶، تاریخ ۱۵ برج حوت ایت نیل ۱۳۰۱ ش.»
هو؛ اداره محترمة انطباعات - دامت برکاته.
در جلسه دوشنبه ۱۴ برج حوت ۱۳۰۱ شورای عالی معارف، درخواست امتیاز جراید ذیل تصویب شد. مطابق مقررات قانونی، اتمام فرموده، بدیهید:

- اول - روزنامه انتقام، به نام میرزا هدایت الله خان داوری.
 - دوم - قلم آزاد، به نام آقا حسین هاتمی.
 - سوم - صدای آسیا، به نام آقا سید صادق افتخار نوری.
 - چهارم - کارگر، به نام مهین الملک حاتمی.
 - پنجم - ایران نو، به نام شیخ زین العابدین رهنما.
- حسب الامر، لازم است به هر یک اخطار شود که صاحب امتیاز، همان مدیر مسئول است؛ قانون، دو نفر رانمی شناسد و در صورت تخلف در حکم، تفویض به دیگری است، بدون تصویب و اطلاع وزارت جلیله معارف. صورت جراید سابق هم هنوز نرسیده.
- [امضا]، [مهر]؛ دفتر شورای عالی معارف، ۱۳۰۱.

[سند شماره ۳]

«وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، اداره دارالانشاء، نمره ۱۳۳، تاریخ ۲۸ برج حوت ایت نیل ۱۳۰۱ ش.»
هو؛ اداره محترمة انطباعات ادر جلسه دوشنبه ۲۸ برج حوت ۱۳۰۱، مجلات و جراید ذیل، در شورای عالی معارف تصویب شد. پس از تکمیل مقررات قانونی، امتیاز داده شود:

- اول - مجله «مخزن دانش»، به نام سید کاظم خان، رئیس معارف همدان.
- دوم - مجله «نسیم صبا»، به نام میرزا حسن خان کوهی کرمانی.
- سوم - مجله «گلزار»، به نام سید عبدالرحمن مکی عراقی.
- چهارم - مجله «تجارت»، به نام میرزا محمد رضانی.

«باقید به اینکه هیچ یک در سیاست داخل نشوند.»

- پنجم - روزنامه «نهضت ایران»، به نام آقا میرزا محمد علی خان سنندجی؛
- ششم - روزنامه «لوی بین النهرین»، به نام میرزا ابوالفضل طهرانی؛
- هفتم - روزنامه «ایران کهن»، به نام میرزا نصرالله خان غربی.

[امضا]، [مهر]؛ دفتر شورای عالی معارف، ۱۳۰۱

[سند شماره ۴]

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، اداره دارالانشای شورای عالی معارف
نمره ۱۳۳

تاریخ ۲۰ حمل تنگوزئیل ۱۳۰۲ ش.

اداره محترمه انطباعات در جلسه دوشنبه ۱۹ برج حمل ۱۳۰۲، جراید ذیل را شورای عالی معارف، تصویب فرمود. با تکمیل مقررات قانونی، امتیاز صادر فرمائید:

- اول - جریده «ملا نصرالدین»، به نام آقای میرزا حبیب الله خان سعیدی.
 - دوم - جریده «بین النهرین»، به نام آقای سعید حسن سبط الشیخ.
 - سوم - جریده «طهران»، به نام میرزا ابراهیم خان نصیرالسلطان.
 - چهارم - جریده «کارون»، به نام حاجی محمد جواد خان شیروانی.
 - پنجم - جریده «سرحد»، به نام میرزا مهدی ادیب تبریزی.
 - ششم - جریده «ایام»، به نام میرزا سعید حسن شکوهی یزدی.
 - هفتم - جریده «بوستان»، به نام محقق العلما وکیل مجلس، به توسط آقای رئیس تفتیش داده شود.
 - هشتم - جریده «سهیل»، به نام آقای سعید عبدالعلی جعفری یزدی.
 - نهم - جریده «افلاک»، به نام آقای سعید نجم الدین طباطبائی.
 - دهم - جریده «نجات وطن»، به نام آقای سعید حسن مدنی.
- باقید اینکه صاحب امتیاز، مدیر مسئول است.

[امضا] [مهر] دفتر شورای عالی معارف، ۱۳۰۱

[سند شماره ۵]

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، اداره دارالانشای شورای عالی معارف،
دایره ۲۳۸، به تاریخ ۳ سنبله تنگوزئیل ۱۳۰۲ ش.

اداره محترمه انطباعات در جلسه ۲۸ اسد شورای عالی معارف، جراید ذیل تصویب شد:

- رستاخیز، به نام صدرالتجار.
 - جنوب، به نام شیخ عبدالله.
 - آئین، به نام معین السادات.
 - بالنادر، به نام یانور کینوسیان.
 - نامه دانش پژوهان، به نام میرزا محمد علی.
 - جنگل مولا، به نام میرزا ابوالقاسم خان ذوقی.
 - قرن چهاردهم، به نام میرزا علی خان مشتاق.
 - ناصرالملک، به نام میرزا عیسی زنجانی.
 - مرد کار، به نام شیخ محمد رضا.
 - آذر، به نام میرزا حسن خان زمانی.
 - ترویج الاسلام، به نام معین الشریعه.
 - آتش، به نام میرزا علی اکبر خان امیر علانی.
 - طلوع، به نام محمود آقای رشتی.
 - بیداری، به نام سید محمد هاشمی.
 - سعادت وطن، به نام غلامرضا خان حسن زاده.
 - مجله فرخی، به نام هاشم آقا فرخی.
- به ضمیمه سوابق آنها که ایفاد شد.

[امضا] [مهر] دفتر شورای عالی معارف، ۱۳۰۱

[سند شماره ۶]

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، اداره دارالانشای شورای عالی معارف، نمره ۳۲۰، به تاریخ ۱۸ عقرب تنگوزئیل ۱۳۰۲ ش.

دایره محترمه انطباعات ادر جلسه شورای عالی معارف مورخه ۶ عقرب ۱۳۰۲، تصویب شد که امتیاز جراید ذیل صادر شود:

- ۱- جریده «بنی هاشمی»، به نام آقای حسن بنی هاشمی.
 - ۲- جریده «فریاد ایران»، به نام میرزا محمد تقی معروف به آقازاده، در صورتی که مستخدم دولت یا منتظر خدمت نباشند.
 - ۳- جریده «دست انتقام»، به نام شیخ ابوتراب نهاوندی، در صورتی که مستخدم دولت یا منتظر خدمت نباشند.
 - ۴- جریده «کرنا»، به نام میرزا رضا خان مینو، در صورتی که مستخدم دولت یا منتظر خدمت نباشند.
 - ۵- جریده «محشر»، به نام حاج سید رضا کاظم زاده، در صورتی که مستخدم دولت یا منتظر خدمت نباشند.
 - ۶- جریده «عبیرت»، به نام میرزا عبدالله خان وزیر نظامی، در صورتی که مستخدم دولت یا منتظر خدمت نباشند.
 - ۷- جریده «شرافت»، به نام میرزا علی اصغر طبعی، در صورتی که مستخدم دولت یا منتظر خدمت نباشند.
 - ۸- جریده «شمال ایران»، به نام میرزا یوسف صدیقی ارومیه، در صورتی که مستخدم دولت یا منتظر خدمت نباشند.
 - ۹- جریده «صلاح بشر»، به نام سید صادق مجابی شیرازی، در صورتی که مستخدم دولت یا منتظر خدمت نباشند.
 - ۱۰- جریده «شعاع»، به نام شعاع الدین میرزا، در صورتی که مستخدم دولت یا منتظر خدمت نباشند.
 - ۱۱- جریده «خورشید ایران»، به نام میرزا بهاء الدین حسام زاده، در صورتی که مستخدم دولت یا منتظر خدمت نباشند.
 - ۱۲- جریده «سبیل الرشاد»، به نام میرزا اسمعیل تاجر شیرازی، در صورتی که مستخدم دولت یا منتظر خدمت نباشند.
 - ۱۳- جریده «آئینه افکار»، به نام میرزا علی محمد خان فخام السلطان، در صورتی که مستخدم دولت یا منتظر خدمت نباشند.
 - ۱۴- جریده «درفش کاویانی»، به نام میرزا علی محمد خان صفا، در صورتی که مستخدم دولت یا منتظر خدمت نباشند.
 - ۱۵- جریده «فلاح»، به نام میرزا حبیب الله، در صورتی که مستخدم دولت یا منتظر خدمت نباشند.
 - ۱۶- جریده «افکار ستوده»، به نام میرزا ابوالقاسم خان محمودزاده، در صورتی که مستخدم دولت یا منتظر خدمت نباشند.
 - ۱۷- جریده «اطلاعات»، به نام میرزا علی اکبر خان سلیمی، در صورتی که مستخدم دولت یا منتظر خدمت نباشند.
 - ۱۸- جریده «صدای مشرق»، به نام آقا سید مهدی، در صورتی که مستخدم دولت یا منتظر خدمت نباشند.
 - ۱۹- جریده «فرهنگ»، به نام شیخ محمود درگاهی، در صورتی که مستخدم دولت یا منتظر خدمت نباشند.
 - ۲۰- جریده «بیان حقیقت»، به نام معین دیوان شیرازی، در صورتی که مستخدم دولت یا منتظر خدمت نباشند.
 - ۲۱- جریده «کیوان»، به نام محمد حسین خان سرتیب زاده، در صورتی که مستخدم دولت یا منتظر خدمت نباشند.
 - ۲۲- جریده «مردان کار»، به نام لطفعلیخان امیر ابراهیمی، در صورتی که مستخدم دولت یا منتظر خدمت نباشند.
- [امضا] [مهر] دفتر شورای عالی معارف، ۱۳۰۱ (۶)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سیاسی، باید چنین باشد. پس مطبوعات نیز، جز مصالح عالیه کشوری نباید هدفی و مقصدی را دنبال کنند. او، با همان تحقیری که از سیامت پیشگان قبل از کودتا نام می برد و آنها را مسئول فلاکت سربازانی می دانست که با دشمن در جنگند، از جرایدی که دنبال اغراض خصوصی می روند، بیزاری می جست؛ روزنامه هایی که متوقع کمک مادی بودند یا از راه و رسم متانت و احتشام منحرف می شدند، از چشم وی می افتادند... (۱۰) ولی خطر اساسی که این بار جراید و آزادی مطبوعات و قلم را تهدید می کرد، روحیه استیلا جوینانه نظامیان و بسط تدریجی قدرت آنها به دیگر ارگانها و دستگاههای دولتی بود. در مقابله با این خطر، مخالفین کودتا و قدرت یابی نظامیان، شروع به فعالیت کردند. در راه انجام این فعالیت، مؤثرترین وسیله برای آنها، جراید و مطبوعات بود. به همین سبب دولت نیز، با جدیت بیشتری به توقیف و سانسور جراید و نشریات می پرداخت (۱۱). در یکی از اسناد موجود در گنجینه اسناد ملی، درباره نقش نظارتی دستگاههای ذیربط، آمده است.

همانطور که گفته شد، کودتا، با هدف «استقرار دیکتاتوری نظامی» شکل گرفته بود (۷)؛ کودتاچیان در یکی دو روز همه سرجنبانان را دستگیر کردند (۸) و به فعالیت همه جراید، بدون استثناء خاتمه دادند. محمد تقی بهار، در جلد دوم کتاب «تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران» خود، در این باره نوشته است: «قرار بود مؤسس کودتا، همه جراید را ببندد و تنها روزنامه ایران را - که مدیرش، من بودم - باقی گذارد، و ماهی هزار تومان به روزنامه کمک کند... نکته ای قلبی و احساسی، روحی - که شر حش دشوار است - مرا از پذیرفتن پیشنهاد دوستانه ایشان [سردار سپه] منصرف داشت و بعد از دو سه روز، من هم، در شمار اسرای کودتا قرار گرفتم.» (۹) علی دشتی نیز، درباره رفتار سردار سپه با ارباب جراید نوشته است: «... سردار سپه، نظامی بود و عادت به انضباط داشت و از این رو، خیال می کرد این انضباط، در سیاست هم باید باشد؛ چون خود در مسائل مملکتی و سیاسی، جدی و با هر گونه مسامحه و سهل انگاری مخالف بود و برآستی تمام قوای روحی و فکری او، صرف امور سیاسی و نظامی می شد و جز این، همه مطالب دیگر را باز بچه می شمرد، خیال می کرد هر مرد

[سند شماره ۷]

«وزارت معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه، اداره کل معارف - انطباعات، نمره ۱۳۳۵،

به تاریخ ۹ جوزا / خرداد تنگورژیل ۱۳۰۲ ش.

وزارت جلیله عدلیه عظمی اجرائم مطبوعات به توسط اداره انطباعات، مستقیماً یا به واسطه نظیمه، باید تعقیب و در محاکم صالحه، محاکمه و حکم مجازات آنها صادر شود و در این موضوع هم، اداره محترمه مدعی عمومی، از آن وزارت جلیله کسب تکلیف کرده و در عین آن راه، به آن وزارتخانه فرستاده اند. باید زودتر تصمیمی اتخاذ نمود. متمنی است مقرر فرمایند، نماینده از طرف آن وزارت جلیله، یوم یکشنبه ۲۰ برج جوزا، در کمیسیونی که در اداره کل معارف تشکیل آمی شود، حضور به هم رسانند. قراری برای این کار داده شده، حدود و موارد اقدام دایره انطباعات این وزارتخانه، معلوم گردد.

[امضا]: احمد سالاری

اما به رغم سانور شدیدی که بر مطبوعات حکمفرما بود، باز صاحبان قلم، به انحاء و ترفندهای مختلف، مخالفت خود را با عوامل کودتا بخصوص سردار سپه و عملکرد او در عرصه فرهنگ ابراز می داشتند، به طوری که روزنامه «نسیم صبا» - که به مدیریت کوهی کرمانی، به طور هفتگی در تهران منتشر می شد - در اوایل سال ۱۳۰۳ ش، در یکی از شماره های خود، شاهکاری ادبی - که تصور می رود از آثار ملک الشعرای بهار باشد - به اسم «مکاتیب وارده»، تحت عنوان «توشیح عقاید» چاپ نمود که در آن روزها، از هر حیث مورد

توجه واقع شد و در محافل ادبی و سیاسی، با حیرت و جبار و جنجال بسیار تلقی گردید. در این شاهکار، نویسنده، به بهترین وضعی از عهده صنعت «توشیح نثری» برآمده است. بدین ترتیب که در طی یک مقاله ظاهر آمتین و بیطرف، یکی از انتقادات شدید خود را علیه سردار سپه گنجانیده است. (توضیح آنکه اگر تمام کلمات اول سطرها را - که در این جا با حروف درشت تر نوشته شده است - با سطر آخر بخوانیم، عبارت انتقادی یاد شده، پیدا می شود:

توشیح عقاید

رضای ملت ایران بر اینست که قائد ایران، حکومت
خان خانی و ملوک الطوائفی راه از دست یک مشت
بیسواد برهاند و مملکت ایران، مانند ممالک مهم اروپا
که مقدرات خود را خودشان تعیین می کنند - بشود که
وزرای خود را انتخاب کند. هرگاه یک ملتی به واسطه موانع،
نتوانست مقدرات خود را با دست خود تعیین و در قضایا،
به مجلس و اراده نمایندگان تکیه کرده، خود را زنده به عالم
معرفی کند، نمی تواند در دنیای امروز زندگی مستقل
بنماید و وقتی یک ملتی خود را نتوانست زنده بداند،
چطور می تواند در پیشگاه دنیای آزاد قرن بیستم، خود را
لایق و شایسته درک ترقیات شناسانده، محو
ریاست ها و سلطنت های موروثی را خواستگار و در مقابل
جمهور ملل سرفراز شده، آسایش خود را - چنانچه لازم
است - اداره نماید. همچنین تسطح طرق و تجارت و سایر
تأمینات لازمه را تدارک کند؛ ولی دست اجنبی
نمی گذارد ناجی ایران و قائد توانای ایرانیان، سردار ملت،
آزادانه اصلاحات را اجرا نماید و آمال ملی را بر آورد. چه
بنویسیم و چه بنویسم؟! ملت، باید صلاح خود را تشخیص دهد.
لذا ما به ملت می گوئیم؛ گوش به دساتن اجانب نداده، به الفاظ
موشح و لغافه دار پی برده، به ظواهر کلمات ملون،
عقاید ملی را - که تلگرافات ایالات، شاهد آن است - نیالوده، از
حقه بازان عوام فریب پر هیز کنند. ما، حقایق ساده
را می نویسیم. یر رسولان، پیام باشد و بس (۱۲).

و به طور کلی، مطلبی از نظر نظمیه بدور نمی ماند (۱۳)؛ از جمله این برخوردها، به رفتار نظامیان یا مدیر جریده ستاره ایران (حسن صبا) در قبال مقاله اعتراض آمیز وی نسبت به لقب دادن به قاتلین کتل محمد تقی پسیان اشاره کرده بود که به دنبال اعتراض مزبور، دو نفر از قزاق ها، به اداره این روزنامه رفته و صبا را به قزاقخانه برده و پس از زدن تازیانه، او را محبوس کردند (۱۴) و امتیاز روزنامه معروف «ستاره ایران» - که درباره نقش نصرت الدوله در کودتای ۱۲۹۹ اظهار نظر کرده بود - لغو کردند، و در روزنامه «ستاره شرق» راهم بستند. از لحظه ای که سردار سپه به سلطنت رسید، رعب و وحشت همه جا را فرا گرفته بود و احدی، حق هیچگونه اظهار نظری نداشت. قتل میرزاده عشقی، گرفتن و به چوب و شلاق بستن روزنامه نویس ها را، ظاهراً کار را به جایی رساند که روزنامه «نجات ایران»، در شماره چهارم، از خوانندگان خود خداحافظی کرد و نوشت: ما، قلم را می بوسیم و کنار می گذاریم.

وقتی که در حضور نمایندگان ملت، قانون مربوط به آزادی مطبوعات را لغو می کنند، چطور می شود آزادانه حرف زد؟ و به توفیق ستاره ایران و ستاره شرق اشاره کرده و نوشته بود که بهتر است پیش از اینکه به سراغ مانیز بیایید، ما خود، روزنامه خود را تعطیل کنیم، و آخر سر اشاره کرده بود که اگر بخواهید روزنامه بنویسید، باید حول و حوش خود را ببانید و بیشتر مواظب ناحیه غرب تهران باشید که منظورش، محل اقامت سردار سپه و نصرت الدوله بود!

بعد از چاپ این مقاله، «ناصر سیف»، مدیر روزنامه نجات ایران ناپدید شد و تلاش پلیس، برای پیدا کردن او به جایی نرسید و آخر سر معلوم شد که وی، برای نجات جان خود به سفارت شوروی پناه برده است که باعث اعتراض آنان گردید. ولی این نوع اعتراضات، تاءثیری در تسلط سانسور بر آزادی قلم نداشت (۱۵) و نشریاتی که توزیع و اشاعه آنها مقتضی نبود، توسط نظمیه جمع آوری می شد، به طوری که در اسناد ذیل آمده است (۱۶).

[سند شماره ۸]

وزارت امور خارجه، اداره محاسبات، نمره ۱۸۰۰/۱۴۰۸، به تاریخ ۱۳۰۷/۲/۱۰ ش.

مقام منبع ریاست وزراء دامت شوکته - به طوری که خاطر مبارک مستحضر است در شماره ۳۲۷ روزنامه اطلاعات ابلاغیه دایر به مناسبات دولت ایران و دولت ترکیه درج شده بود و چون انتشار و اشاعه آن مقتضی نبود حسب الامر به اداره نظمیه قدغن (اصل: غدغن) شد شماره مذکور را جمع آوری نماید. اینک اداره اطلاعات شرحی به این وزارتخانه نوشته است که در نتیجه جمع آوری شماره مذکور مبلغ پنجاه تومان بابت مخارج طبع و کاغذ و خرج اداری یک نمره روزنامه خسارت متوجه اداره مذکور گردیده است. نظر به این که از اعتبارات وزارت امور خارجه قانوناً نمی توان این قبیل مخارج را تاءدیه نمود، در صورتی که تصویب می فرمایند مقرر شود از اعتبار انعام دولت مبلغ پنجاه تومان وجهی که اداره اطلاعات مطالبه خسارت می نماید، تصویب و تصویبنامه آن صادر، و به وزارت جلیله مالیه ابلاغ بشود که به وسیله این وزارتخانه به اداره اطلاعات تاءدیه شود.

[مضا]: فتح الله پاکروان

[مهر]: وزارت امور خارجه

[۱۳۰۷/۲/۳۰ ش.]

[سند شماره ۹]

ریاست وزراء، نمره ۱۴۲۴، مورخه ۱۳۰۷/۳/۱ ش.

هیأت وزراء در جلسه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۰۷ بر حسب پیشنهاد وزارت امور خارجه تصویب نمودند مبلغ پنجاه تومان از بابت خسارت وارده به روزنامه اطلاعات از جمع آوری و منع نشر ابلاغیه مندرجه در شماره ۳۲۷ در وجه مدیر روزنامه مزبور از محل اعتبار انعام دولت پرداخت شود.

[امضای اعضاء هیأت وزیران]: مهدیقلی هدایت - علی اکبر داور - حسین سمیعی - جعفرقلی اسعد - فیروز فیروز (نصرت الدوله) - قاسم صوراسرافیل - سرلشکر حبیب الله شیبانی.

[این تصویبنامه به شماره ۱۴۲۴ و به تاریخ ۱۳۰۷/۳/۱ ش. به وزارت مالیه و سواد (رونوشت) آن به وزارت امور خارجه فرستاده شده. (۱۷)]

همانطور که گفته شد، در دوره رضا شاه شهربانی کاملاً در مندرجات جراید نظارت داشت و مدیران جراید، حق نشر هیچگونه مطلبی را بدون اجازه شهربانی نداشتند. دخالت شهربانی نه تنها نسبت به مقالات سیاسی و اخبار داخلی و خارجی جراید نبود بلکه اعلانات روزنامه نیز قبل از انتشار به نظر شهربانی می‌رسید (۱۸) و هر چه زمان می‌گذشت، بر ابعاد نظارت شهربانی افزوده می‌شد. کار سانسور و نظارت بر مطبوعات، بقدری بالا گرفت که انتخاب تیترو واحد و وحدت مطلب، در جراید متداول شده بود. آن گونه که محققان مطرح می‌کنند، از سال ۱۳۱۰ ش. کلیه جراید ایران، مطبوع و منقاد اداره سیاسی شهربانی بوده‌اند و کوچکترین تخطی از دستورات آن اداره، باعث محو و فحای روزنامه می‌شد. از جمله در جریان لغو امتیاز داری، اداره شهربانی، به جراید روزانه تهران اطلاع داد که سر مقاله شماره‌های آینده روزنامه‌های خود را به مضار امتیازنامه داری اختصاص بدهند و به شدت از آن انتقاد کنند (۱۹). استاد محیط طباطبائی، در ضمن بیان خاطرات مطبوعاتی خود درباره وضعیت روزنامه نگاری در طی سالهای ۱۳۱۳-۱۳۱۷ ش.، چنین بیان کرده است: «قضیه لغو امتیاز نفت، دشتی را با راهنما، مدیر ایران به زندان فرستاد و روزنامه شفق سرخ توقیف شد. ولی روزنامه ایران را، دولت دست رویش گذاشت و اداره‌اش را به آقای غلامعلی رعدی، رئیس اداره نگارش وزارت فرهنگ واگذار کرد، و چون مایل تویسرکانی را به ریاست فرهنگ کرمان فرستادند، این وسیله (روزنامه شفق سرخ) - که کاملاً در دسترس من قرار داشت - از دست من خارج شد. بعد در روزنامه‌ها و مجله‌ها به طور پراکنده مقالاتی از من انتشار یافت و دیگر مجال و زمینه به هم پیوسته‌ای مانند شفق سرخ و ایران با آن وسعت انتشار، در اختیارم قرار نداشت. دولت هم، نظارتش بر روزنامه‌ها روز به روز زیادتر شد. بعد از این حادثه، مطبوعات، زبان حال دولت شدند، حتی دولت، روزنامه‌ای دایر کرد به نام ایران امروز که مدیرش میر محمد حجازی، قصه نویس معروف بود. او، به من پیشنهاد همکاری داد، من معذرت خواستم، ولی گفتم که هر کمک فکری بخواهید، می‌کنم و فکر تشکیل کلاس روزنامه نگاری را برایش مطرح کردم.

در سال ۱۳۱۷- که کاملاً مطبوعات در اختیار دولت بود - وزارت معارف، مرا از کار تدریس برداشت و مدیریت مجله تعلیم و تربیت را به من دادند و صریحاً اخطار کرده بودند که یا مجله را بنویس و یا از معارف برو، من، ناگزیر از نوشتن مجله شدم (۲۰).

از آن پس گاهی اتفاق می‌افتاد که مدیر یک روزنامه، به علت یک خبر کوتاه، مدت‌ها در سیاه چال زندان قصر به سر می‌برد. بنابراین، در دوران رضا شاه روزنامه‌هایی می‌توانستند به حیات خود ادامه بدهند که اولاً بر خلاف دولت و شخص شاه، کوچکترین مطلبی در روزنامه ننویسند و ثانیاً در رفتار و اعمال خود کمال احتیاط و مواظبت را بکنند، به طوری که شهربانی به آنها بدین نشود (۲۱).

رفتار دولت و شهربانی در دوره رضا شاه، با مدیران جراید بسیار خشن بود. یکی از مدیران جراید، در آن دوره در مورد برخورد شهربانی با جریده‌اش نوشته است: «در شهریور ۱۳۱۵ ش.، دفعه‌آدم نغمه‌مور از طرف اداره سیاسی شهربانی، به اداره روزنامه ما آمدند و اوراق و دفاتر و سوابق را مورد بازرسی قرار داده، بلافاصله نویسنده را به اتهام اوراق و سوابق، جلب و به شعبه ۹ آگاهی (یکی از شعب اداره سیاسی) تحویل دادند و از طرف آنها بلافاصله بدون بازرسی و تحقیق، دستور توقیف داده شد، و مرا تحویل زندان دادند.

نویسنده را به نام مقصر سیاسی در زندانی که جایگاه دزدها، قطاع الطریق‌ها و قاتلان و بالاخره جانی‌ها بود، جای دادند. گفتند مقصر سیاسی یعنی میکروب جامعه؛ تا وضعیت شماروشن نشود، جای شما اینجاست و غذا و رختخواب و غیره را نخواهید داشت (۲۳). و مدیر روزنامه اطلاعات (۲۴) نیز، در نشریه «اطلاعات در یک ربع قرن»، نوشته است: «در ابتدای سلطنت پهلوی، شهربانی، فشار بسیار به مردم وارد می‌آورد؛ زهر چشم می‌گرفت؛ مبادا نغمه مخالفتی آغاز گردد. در آن روزگار مدیر اطلاعات، بر حسب دستور سرپاس درگاهی به حبس افتاد؛ او را به زندان بردند و با دزدان در یک جا محبوس ساختند؛ به جرم اینکه خبری مربوط به مرگ یک زندانی در زندان، به جرایدی که از او خبر می‌گرفتند، داده است. او، به مدت ۲۴ ساعت در زندان ماند تا اینکه با وساطت علی دشتی از حبس نجات یافت» و به اذعان خود او: با وجود تهدیدات بسیار، دنباله کار و فعالیت خویش را همچنان ادامه داد (۲۵). در جای دیگر، مدیر روزنامه سعادت نوشته است: «در آذر ۱۳۱۶ مختاری، رئیس شهربانی، مدیران جراید را احضار و به آنها پرخاش نمود که باید وضعیت خود را عوض کنید؛ مثل سایر ممالک راقیه چیز بنویسید و الا همه را توقیف می‌کنم. مدیران جراید هم، کان علی رنو سهم الطیر، تنها کسی که جواب حرف را داد، نگارنده بود که گفتم: هر وقت سایر امور مثل کشورهای راقیه شد، هر وقت اطلاعات شما - که رئیس شهربانی کشور هستید - مانند رئیس شهربانی لندن شد، آن وقت باید منتظر بود روزنامه‌های ما هم مثل دنیا باشد. رنگ از صورت مختاری پرید و در سکوت عمیقی فرو رفت که گویی نقشه قتل مرا طرح می‌کند. همکاران محترم من - که این وضعیت را دیدند - دست از حیات من شسته و باور نداشتند که شب را سالم به منزل بروم. لیکن مختاری، حاضر نبوده به آزار جزئی من اکتفا کند؛ مترصد فرصت بود تا نقش مهمتری را برای من بازی نماید؛ تا آنکه در اسفند ۱۳۱۷، اینجانب، تلگرافی از پادشاه سابق، تقاضای شرفیابی کردم. مختاری، فهمید و می‌دانست که من، معتقدم که باید شاه را از اوضاع مطلع و از کارهای اطرافیان آگاه ساخت و مختاری، یقین داشت با تعدیاتی که نسبت به عالم مطبوعات و جراید نموده، شرفیابی من، موجب خواهد شد که شاه، از جریان امر مستحضر گردد، همین تلگراف را متمسک نموده و فوراً توقیف نمود؛ کرا از آن در در شعبه اداره سیاسی بازرسی به عمل آمد و هر دفعه، جان کلام این بود که بازرسی با استفهام تعجبی، از من می‌پرسید: چرا از شاه کشور تقاضای شرفیابی نموده‌ای؟ به پاسخ‌های من توجهی نمی‌شد؛ اظهارات مرا وارد پرونده نمی‌کردند. پس از مدت‌ها به این زندگی تلخ خاتمه داده شد. من را یعنی کالبد خسته و فرسوده، هیکل نحیف و لاغری را از توقیف خارج کردند؛ لیکن جان شیرین او را در توقیف باقی گذاشت. من آزاد شدم، لیکن روزنامه توقیف ماند. بالاخره مرا متهم به مرام بالشویکی می‌ساخت و در فروردین ۱۳۱۸، مرا مجدداً در زندان انداخت. پس از دو سال و نیم، به من اخطار کرد که ممکن است با خرج خود به کاشان تبعید شوی. گذشته از این که از هستی ساقط شده بودم و دیناری نداشتم، رفتن به کاشان راهم مقدمه رهسپاری به دیار عدم می‌دانستم... من بی‌موندن راه کاشان را - که برای من دروازه وادی خاموشان بود - حرفی نداشتم؛ زیرا از زندگی سیر شده و مرگ را برای خود موهبتی می‌دانستم. بالاخره به کاشان تبعید شدم و طولی نکشید که قضایای اخیر و حادثه شهریور ۱۳۲۰ پیش آمد. (۲۶)



علی دشتی

علی دشتی، از زندان تار ریاست اداره راهنمای نامه نگاری

علی دشتی، مدیر روزنامه شفق سرخ، در دوره نهم مجلس - در حالی که مابنده بوشهر بود - دو روز امانده به انقضای مجلس، در ۲۲ فروردین ۱۳۱۴ ش. سنگیر شد (۲۷). ولی آنچه قریب به یقین است، و باعث کناره گیری دشتی از تار روزنامه نویسی شد، این بود شاید جلوی قلم تند و هتاک او گرفته می شد. مادشتی، نمی توانست جلوی زبان نیش دار خود را بگیرد (۲۸). او - که گاه و بیگاه در مجالس خصوصی و در میان دوستان نزدیک خود، مختصر انتقاداتی ز کارهای رضا شاه می کرد - گزارشهای پی در پی با شاخ و برگ از زبان نرازی اش به شاه می رسید. او نیز، روز به روز، خشمش نسبت به دشتی زیاد می شد (۲۹) تا اینکه مورد غضب واقع، تمام خدماتش به دستگاه فراموش (۳۰)، در ۲۲ فروردین ۱۳۱۴ ش. [دو روز قبل از انقضای مجلس نهم] از او سلب مصونیت شد. امتیاز روزنامه اش لغو [شد] (۳۱) و رضا شاه، دستور بازداشت وی و عده ای دیگر را صادر کرد.

به هر حال دشتی، در ساعت ده، روز ۲۲ فروردین ۱۳۱۴ تحویل محبس گردید و حسب الامر رضا شاه، فرج الله بهرامی (دبیر اعظم)، زین العابدین زهنما و برادرش میرزا رضا تجدد، متهمین سیاسی را جداگانه بازداشت و دستور داد تا اطلاع ثانوی آنان، جداگانه توقیف [شوند] و با یکدیگر و احدی حق ملاقات و پیغام به خارج ندارد (۳۲). منتقدین و عده ای از آگاهان به مسائل آن عصر و بعد از آن در مورد مفضوب، بازداشت و زندانی شدن دشتی، عوامل مختلفی را برمی شمارند، از جمله حسین مکی، در کتاب تاریخ بیست ساله ایران (جلد ۵)، به نقل از فرج الله بهرامی، درباره زندانی شدن دشتی می نویسد: «دبیر اعظم، می گفت: بد نبود، او، در کریدر چهار زندگی می کرد. زندانیان سیاسی، از مساعده نهایی که خواسته بود به آنها بکنند، خوششان نیامده بود. علی دشتی را، هیچکس اهمیت نمی داد.

به طور کلی رجال دوره دیکتاتوری، میان زندانیان عادی هم مورد توجه واقع نمی شدند. برعکس بعضی ها - اگر از دستشان می آمد - توهین و بدگویی هم در حقشان روا می داشتند (۳۳). دشتی، قبل از اینکه بازداشت شود، ناراحتی معده و سوء هاضمه داشت که با افتادن به محبس، بیماری وی شدت گرفت. از این رو، و نظر به کسالتی که داشتند، در تاریخ ۴ خرداد ۱۳۱۴ ش. عریضه ای به ریاست تشکیلات نظمیہ نوشت و تقاضا کرد:

- ۱- به واسطه ابتلا به سوء هاضمه، اجازه داده شود طیب معالج (دکتر بالاییان) از خارج بیایند و او را معالجه نمایند.
- ۲- به واسطه نداشتن شخصی برای رسیدگی و تنظیم امورات خود، اجازه داده شود یکی از کسان مشارالیه، گاهی به ملاقات او بیاید.
- ۳- اجازه داده شود، عریضه برای تقدیم به رضا شاه ارسال دارد - که میسر نگردد. با این حال بیماری دشتی در محبس عود کرد و حتی سهرابی [مستطلق] - که در هفتم خرداد ماه می خواست از وی استنطاق نماید - به واسطه عارضه کسالت و عصبانیت، نتوانستند تحقیق (بازجویی) بدهند.

سپس کسالت دشتی شدت گرفت، به طوری که در روز نهم خرداد به ذوسنطاریا مبتلا [شد] و تحت مراقبت و معالجه قرار گرفت. چون معالجه وی، در صحیحه محبس (در مانگاه زندان) مؤثر واقع نگردد، حسب الامر تلفنی رضا شاه، تحت نظر و مراقبت مأمورین اداره تاءمینات، به مرخصخانه نجمیه اعزام [شد] و توسط تعدادی از پزشکان مورد معاینه و آزمایشات پزشکی قرار گرفت و طبق پیشنهاد پزشکان معالج، دستور به بستری و ادامه درمان وی داده

شد. سپس در اواخر ۱۳۱۴ ش.، معاون صحیحه نظمیہ، از مشارالیه در مرخصخانه نامبرده عیادت [کرد] و با موافقت دشتی، مجدداً دستور به ادامه معالجه وی داده شد.

به دنبال بستری شدن دشتی، منزلش نیز توسط شعبه اول اداره تاءمینات، مورد تفتیش قرار گرفت و در ۳ تیر ۱۳۱۴، راپورت (گزارش) ذیل به تشکیلات نظمیہ داده شد: «... راجع به نوشتجات علی دشتی، اشعار می دهد طبق راپورت شعبه اول، نوشتجاتی که مأمورین از منزلش به دست آورده اند، تماماً با حضور پرویزخان برادر مشارالیه، رسیدگی نموده و آنچه مورد لزوم بود، ظهر آن را امضاء و به دوسیه، ضمیمه گردید. بقیه، تماماً مسمور و لاک شده، توسط اداره محترم، به خود او تسلیم شده است...»

دشتی در ۱۹ مرداد از مرخصخانه نامه ای به شاه نوشت و تقاضای عفو و بخشش کرد؛ ولی آقای رضاخان سمیعی، کنیل اداره آگاهی، طی دستور محرمانه ای به تاریخ ۲۹ شهریور ماه، از اداره زندان خواست برای جلوگیری از مکاتبه و مراوده علی دشتی در مرخصخانه با اشخاص دیگر و مراقبت کامل از او، علاوه بر مأمور قبلی، مأمور دیگری بدون لباس فرم، از آن اداره به بیمارستان اعزام دارند.

به هر حال به دنبال طولانی شدن دوره درمان و هزینه گزاف مرخصخانه، دشتی، تقاضا کرد برای ادامه دوران نقاهت، به منزلش انتقال یابد که با موافقت رضا شاه در ساعت چهار و بیست دقیقه روز ۲۴ آبان ماه ۱۳۱۴ ش. - به منزلش منتقل و تحت نظر مأمورین اداره آگاهی و سر کلانتری بستری گردید (۳۴). اما این انتقال، آزادی دشتی را محدودتر کرد. زیرا منزل وی، مبدل به زندان شده

بود و هیچکس حق ملاقات با وی رانداشت و خودشان تحت مراقبت دائمی مأموران مینات، از خارج شدن و نامه نوشتن و حتی تلفن کردن ممنوع بودند (۳۵).

هر چهار نفر که قبلاً ذکرشان رفت، تا تاریخ ۱۹ خرداد ۱۳۱۴ ش. در زندان قصر به سر بردند. سپس رهنما و تجدد به عراق و بهرامی نیز به ملایر تبعید شدند (۳۶). مهدیقلی هدایت (مخبر السلطنه)، در کتاب خاطرات و خطرات، درباره وساطتش برای آزادی آنان می نویسد: «رهنما، تجدد برادرش، بهرامی رئیس اسبق دفتر مخصوص و دشتی - به علی که نمی دانم - توقیف بودند. با رهنما خصوصیتی داشتیم؛ چند ماه هم معاون من بود. به خیال من رسید توسطی بکنم. در شرفیابی عرض کردم: روی سیاه و موی سفید، تکلیف می آورد و اشخاص بی انتظاری نیستند. رهنما و دشتی و بهرامی - اگر تقصیرشان قابل عفو است - استدعای عفو دارند. به عادتت که شاه دارد و راه می رود، در خیابانی که بود، رفتند و برگشتند و دو سه مرتبه این رفت و آمد واقع شد. آخر فرمودند: آنها را بخشیدم؛ بروند به ولایت خودشان، و منظور رهنما و تجدد بود که توطئه عراقیند. بهرامی و دشتی هم نباشند، از تهران بروند. عرض کردم: اجازه هست امر ملوکانه را به نظمی ابلاغ کنم؟ فرمودند: بلی. ابلاغ کردم و امر رسمی هم صادر شد. رهنما و تجدد، به عراق رفتند؛ بهرامی و دشتی، به بروجرد و بهبهان در مورد بهرامی فرمودند: نمی کشمش.» (۳۷)

همانطور که گفته شد، دشتی در روزهای آخر دوره نهم مجلس شورای ملی، همزمان با بهرامی، رهنما و تجدد، در اردیبهشت ۱۳۱۴ ش. به اتهام سیاسی دستگیر و چند ماه در نظمی و گاهی در مریمخانه نجمیه یا در منزل بازداشت یا تحت نظر بود که پس از بهبودی، به مدت شش ماه به بهبهان تبعید گردید. دشتی، پس از چهارده ماه در زندان قصر و بیمارستان نجمیه و خانه خود محبوس و تحت نظر ماند تا آزاد شد (۳۸). او، طی این مدت یادداشت‌های پراکنده‌ای در منزل یا بیمارستان نگاشت که بعدها این یادداشتها، به وسیله شفق همدانی، جمع آوری [شد] و به چاپ رسید (۳۹). غلامحسین مصاحب نیز، در کتاب «دسیسه‌های علی دشتی»، درباره توقیف وی نوشت: «آنچه معروف است و در موقع توقیف دشتی از چند منبع شنیده شد، علت بازداشت او، قصور در خدماتی بوده است که به عنوان عضو آگاهی بر عهده داشته است. توضیح آنکه بسیاری از اطرافیان رضاخان، جاسوسان مخفی مختار بودند و در مورد دشتی نیز، همین شهرت در افواه شایع بود؛ بخصوص که او از دوستان بسیار صمیمی مختار بود. خارج شدن او از محبس نیز، بنا بر معروف، بعلمت مراصله‌ایست که از زندان به توسط مختار، برای شاه سابق نوشته بود. پس از خروج از زندان، دشتی، همواره سعی می کرد که با چاپلوسی و خوش خدمتی، خود را به رضاخان نزدیک سازد. در این جا نیز به توسط و شفاعت مختار موفق شد. توضیح آنکه در دیماه ۱۳۱۵، مقاله مفصلی درباره «۱۷دی» کشف حجاب (نهضت بانوان) نوشت که به واسطه مختار به نظر رضاخان رسید. وی نیز - که چنین شخصی را برای دستگاه تبلیغاتی خود مفید می دید - از تقصیرش درگذشت و او را به ریاست دستگاه سانسور مطبوعات منصوب کرد.» (۴۰)

در زمانی که رکن‌الدین مختار، رئیس شهربانی بود، اداره‌ای به نام «اداره راهنمای نامه نگاری» در وزارت کشور تاسیس شد (۴۱). غرض از تاسیس اداره مزبور، طبق نظامنامه، «نظارت بر کار مطبوعات» بود که بازتاب فکر سانسور از میان برداشته شود. این اداره، گاهی نیز اگر ایجاب می کرد که دولت در پاسخ مقالات منتشره در مطبوعات خارجی علیه سیاست ایران چیزی بنویسد و به چاپ برساند، اقدام می کرد (۴۲).

علی دشتی، از تاریخ اول مرداد ماه ۱۳۱۶ ش. به ریاست اداره راهنمای نامه نگاری منصوب شد (۴۳). به قول جلال آل احمد، «دشتی و حجازی - که هر دو از دست پروردگان انقلاب مشروطه‌اند - اولی، مأمور سانسور دیکتاری شده است و دومی، ظاهر سازی‌های آب و رنگدار «ایران امروز» را چاپ می کند.» (۴۴)

سپس و به پیشنهاد وزارت داخله، چون شغل نامه نگاری، از مشاغل فنی محسوب می شد، با تصویب هیئت وزراء در ۳۰ آذر ۱۳۱۶ ش. برای وی، ۳۵۰۰ ریال حقوق تعیین گردید (۴۵). همچنین همکاران دشتی در اداره راهنمای نامه نگاری، عبدالرحمن فرامرزی (۴۶) معاون و متخصص جریده نگاری، ابوالقاسم پاینده مشاور و متخصص جریده نگاری، محمد حجازی به عنوان مدیر مجله نامه نگاری، و یک سانسورچی به نام محرملی خان، از سوی آن اداره به مراکز چاپ مطبوعات سرکشی می کرد (۴۷). علاوه بر نامبردگان، ابوالقاسم شمیم عضو اداره کار آگاهی شهربانی نیز، در جلسات اداره راهنمای نامه نگاری شرکت می کرد.

دشتی و همکارانش، مقالات را از دید ادبی و سیاسی مورد بررسی قرار می دادند و گاهی نیز، به اشاره دولت در روزنامه اطلاعات، مقالاتی به امضای یکی از نویسندگان، می نوشتند ولی خواننده، با توجه به سبک نگارش دشتی، سهولت در می یافت که آن مقاله، نوشته اوست.

مقالات جراید و نوشته‌های مطبوعات، هرگز نبایستی بر ضد مصالح روز نوشته می شد (۴۸). از این رو، اداره راهنمای نامه نگاری، دارای دو مهر «رو» که به اندازه یک بند انگشت بود و در هر مقاله یا نوشته‌ای که مجاز برای چاپ تشخیص داده می شد، می زدند و مهر دیگر «ناروا»، به معنی مخالفت با چاپ مقاله تلقی می شد (۴۹).

همچنین، وظایف آژانس یا خبرگزاری پارس - که در ۱۹ مرداد ۱۳۱۳ به عنوان مرکزی برای کسب و نشر اخبار جهان و اطلاعات داخلی مملکت، در وزارت امور خارجه تاسیس شده بود - به اداره راهنمای نامه نگاری واگذار گردید؛ و نتیجه عملکرد اداره نامبرده، در انحصار گرفتن اطلاع رسانی، سانسور، تقلیل نشریات و کانالیزه کردن نوشته‌ها و مطالب مطبوعات بود.

به هر حال اداره مزبور، تا زمان سرنگونی رضاشاه فعال بود و طبق فهرست تهیه شده از سوی آن اداره در تاریخ ۱۳۱۹۷/۲۱ ش.، روزنامه‌ها، مجلات و ماهنامه‌ها، به ۴۹ عنوان تقلیل یافت که حتی نسبت به دوره اول یعنی ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۴ - که طی آن ۳۴۴ عنوان تازه به مطبوعات افزوده شد و نصاب آن با ۸۰ عنوان به هر یک از دو سال ۱۳۰۱ و ۱۳۰۲ تعلق گرفت. از این رو، تعداد نشریات در اواخر دوره پهلوی افت شایان توجهی داشت.

[سند شماره ۱۰]

انتصاب علی دشتی به ریاست اداره راهنمای نامه نگاری یا (اداره سانسور)

وزارت داخله، اداره حسابداری، نمره ۵۸۲۴۱/۱۲۰۹۹، مورخه ۱۳۱۶/۹/۲۲ ش.

ریاست وزراء - بطوری که تیمسار سرباس مختاری معروض داشته اند برای حقوق آقای دشتی رئیس اداره نامه نگاری ماهی (۳۵۰۰ ریال) برآورد و شفاهاً مورد تصویب واقع شده، ولی در بودجه مصوبه ماهی (۳۰۰۰ ریال) منظور گردیده است، مستدعی است نسبت به تصویب ماهی (۵۰۰ ریال) بقیه اقدام فرمایید.

وزیر داخله - [امضا] : ابوالقاسم فروهر

[حاشیه] موافقت می شود بودجه را اصلاح نمایید. [امضا]: پیرنهاد

[جواب نامه فوق]

ریاست وزراء، شماره عمومی ۱۳۴۶۱، تاریخ ۱۳۱۶/۹/۲۸ ش.

وزارت داخله - در پاسخ نامه شماره ۱۲۰۹۹-۵۸۲۴۱ راجع به تاءمین مبلغ پانصد ریال بقیه حقوق ماهیانه آقای دشتی رئیس اداره نامه نگاری علاوه بر سه هزار ریال اشعار می دهد با پرداخت پانصد ریال بقیه که قبلاً مورد تصویب واقع گردید، موافقت حاصل است. مقرر فرمایید به این نحو بودجه را اصلاح نمایند. رئیس الوزراء

[امضا] پرومند

[سند شماره ۱۱]

وزارت داخله، اداره کارگزینی، شماره ۱۷۰۳۰، بتاریخ ۱۳۱۶/۹/۲۹ ش.

ریاست وزراء - بطوری که خاطر محترم مستحضر است آقای علی دشتی از تاریخ اول مرداد ماه ۱۳۱۶ (۱) به سمت ریاست اداره راهنمای نامه نگاری منصوب گردیده، و چون شغل نامه نگاری جزو مشاغل فنی منضم به تصویب نامه شماره ۸۸۳ مورخ اول خرداد ۱۳۱۳ پیش بینی نشده و نظر به احتیاجی که وزارت داخله به وجود مشارالیه دارد طرح تصویب نامه راجع به اضافه شدن شغل نامه نگاری به فهرست مشاغل فنی و استخدام آقای دشتی به سمت ریاست اداره مزبور تقدیم می شود. مستدعی است امر به تصویب آن فرمایند. وزیر داخله [امضا] ابوالقاسم فروهر

[تصویب نامه هیئت وزیران]

وزارت داخله، اداره کارگزینی، نمره ۱۳۷۶۶/۱۳۲، بتاریخ ۱۳۱۶/۹/۳۰ ش.

هیئت وزیران در جلسه ۲۹ آذر ۱۳۱۶ [طبق پیشنهاد شماره (۱۷۰۳۰) - ۲۶/۹/۲۹ وزارت داخله تصویب نمود که تخصص در جریده نگاری از مشاغل فنی شناخته شود، و آقای علی دشتی به همین عنوان با ۳۵۰۰ ریال حقوق ماهیانه از تاریخ اول مرداد ۱۳۱۶ استخدام شود. [امضای اعضاء هیئت دولت] محمود جم - ابوالقاسم فروهر - حسین رخشانی - محمود بدر - حسین علاء - دکتر احمد متین دفتری.

اهداف، وظایف و نظامنامه اداره راهنمای نامه نگاری یا (اداره سانسور)

[سند شماره ۱۲]

وزارت داخله، مورخ ۱۶/۵/۲۴ [۱۳] ش.

جناب آقای رئیس الوزراء

۱- گویا چندی قبل تصویب نامه ای از هیئت وزراء صادر شده است راجع به منع کلمات و حروف لاتین - آیا شایسته است آن تصویب نامه در روزنامه چاپ شود؟

مستدعی است راجع به این موضوع و هر موضوعی که باید چاپ شود، نباید چاپ [شود] این اداره مستحضر فرمایید.

۲- چنانکه حضوراً عرض کردم، استدعا می کنم بخشنامه از طرف مقام ریاست وزراء به کلیه وزارتخانه ها و ادارات مستقله مانند

شهرداری و بانک ملی و غیره صادر شود که کلیه اخبار و اطلاعات حوزه خود را که شایسته نشریات و مانعی برای درج آنها نیست به این اداره بفرستید که این اداره آنها را بازرسی کرده و آنها را که شایسته نشر می‌داند، به جراید بدهد.

۳- استدعای می‌شود که امر می‌فرمایند از طرف وزارت داخله دستوری به کلیه والی‌ها و حکام ولایات بدهند که هر هفته یا هر دو هفته یا اقل آن هر ماه یک گزارش جامعی از اوضاع و احوال اجتماعی و سیاسی و اقتصاد و ترقیات حوزه ماء‌موریت خود به وزارت داخله بفرستند که اداره نامه‌نگاری بتواند از گزارشهای نامبرده مطالبی را برای جراید استخراج نماید؛ و همچنین عکسهای خوبی از مناظر زیبا و مؤسسات جدید و اصلاحات شهری ضمیمه گزارشهای مزبور بشود.

این دو مطلب اخیر فوق‌العاده برای تحسین و ترقی دادن به مندرجات جراید و قابل توجه کردن آنها که مورد نظر اعلیحضرت همایونی است مفید واقع خواهد شد.

در خاتمه موقع را برای تقدیم مراتب بندگی می‌شمارد.

[امضا]: علی دشتی

[چون جواب به این نامه در حاشیه سند کامل نبود اصل جواب که طی نامه‌ای به وزارت داخله فرستاده شده به شرح زیر می‌باشد:]

ریاست وزراء، شماره ۷۷۲۷، تاریخ ۱۳۱۶/۵/۳۱ ش.

وزارت داخله - اداره نامه‌نگاری

بر طبق مذاکراتی که آقای علی دشتی رئیس اداره نامه‌نگاری به ریاست وزراء نموده بود، مقتضی است قدغن فرمایید از وزارت داخله دستور دهند که والیان و حکام هر یک ماه گزارشی جامعی از اوضاع و احوال اجتماعی سیاسی و اقتصادی و ترقیات حوزه ماء‌موریت خود تهیه کرده، عکسهای خوبی هم از مناظر و مؤسسات جدید و اصلاحات شهری ضمیمه آن فرستاده شود، به وزارت داخله بفرستند که وزارت داخله تحت مطالعه قرار داده، و به مسئولیت خود مطالبی را که از آنها لازم می‌دانید، استخراج نموده، برای انتشار به اداره نامه‌نگاری بدهد.

در قسمت منع کلمات و حروف لاتین هم که درج تصویرنامه مربوط به این امر [از آروزنامه‌ها تقاضا شده بود، انتشار آن به نظر مناسب نمی‌باشد، لکن اگر مفاد آن دایره این که باید ایرانی‌ها در محاوره و مکاتبه واژه‌های نو که به تصویب فرهنگستان رسیده استعمال نمایند، عیبی ندارد، زیرا بهترین وسیله برای حفظ قومیت نگاهداری خط و زبان و رسوم و عادات ملی است.

در قسمت اخباری هم که قابل نشر در جراید باشد به وزارت خانه‌ها و ادارات مستقل نوشته که وزارت داخله بازرسی کرده قسمت‌هایی را که لازم می‌دانید، در جراید منتشر سازد.

[امضا]: عبدالحمید ملک الکلامی

[سند شماره ۱۳]

بخشنامه - وزارتخانه‌ها - ادارات مستقل - شهرداری و بانک ملی - بانک فلاحتی قدغن نمایند کلیه اخبار و اطلاعات ادارات و حوزه‌های تابعه خود را که شایسته نشر در جراید می‌دانند و مانعی جهت درج آنها نباشد، مرتباً تهیه نموده به عنوان وزارت داخله - اداره نامه‌نگاری بفرستند.

[امضا]: عبدالحمید ملک الکلامی

رونوشت این بخشنامه به وزارت داخله فرستاده می‌شود.

وزارت داخله، اداره راهنمای نامه‌نگاری، شماره ۱۱، مورخه ۱۳۱۶/۶/۲۹ ش.

ریاست وزراء - محترماً به عرض می‌رساند، اداره راهنمای نامه‌نگاری بر حسب وظایفی که به آن [ها] محول است، ناچار می‌باشد اطلاعات جامعی را جمع به اوضاع کشور و کلیه ترقیات و پیشرفت‌های حاصله یا اصلاحاتی که در دست اقدام است داشته، و در مواقع لزوم قسمت‌های سودمند آن را برگزیده، و برای نشر و تبلیغ به کار برد، و برای همین منظور مجموعه کاملی از آمار و گزارشها در خصوص شئون مختلف کشور تنظیم نماید.

بنابراین از مقام محترم استدعای می‌گردد امر فرمایند به وزارتخانه‌ها و اداراتی که ناسرده می‌شود، بخشنامه‌هایی صادر و دستور داده شود از آمار و اطلاعات مربوطه که موجود دارند، و همچنین در آتیه تهیه خواهند کرد، یک نسخه به این اداره بفرستند.

وزارت معارف، وزارت طرق، اداره صنعت و معادن، اداره کل فلاحت، اداره تجارت، اداره گمرک، بانک ملی، اداره بهداشتی، اداره

[امضا]: علی دشتی

[حاشیه]: آیا به اداره آمار بخشنامه ابلاغ شده؟

- به اداره آمار فرستاده شده است.

- به عرض برسد. ۱۶/۶/۲۹

کد ۱۰۳۰۱۵ - پاکت ۱۱۹۶۷

[سند شماره ۱۴]

وزارت داخله، اداره راهنمای نامه نگاری، نمره ۱۸، به تاریخ ۱۳۱۶/۷/۱ ش.

دفتر ریاست وزراء - به پیوست یک نسخه از نظامنامه اداره راهنمای نامه نگاری برای اطلاع فرستاده می شود.

[امضا]: علی دشتی

[حاشیه]: به عرض برسد. ۱۶/۷/۱

نظامنامه اداره راهنمای نامه نگاری

ماده ۱- برای نظارت در کار مطبوعات اداره بنام اداره راهنمای نامه نگاری در وزارت داخله تشکیل می گردد، اداره مزبور تشکیل می شود از مدیر نامه نگاری و انجمن نامه نگاری و باندازه حاجت اعضاء و مترجمین، انجمن نامه نگاری مرکب خواهد بود از: نمایندگان وزارت خارجه و وزارت معارف و اداره کل شهربانی که هر روز به ریاست مدیر نامه نگاری جلسات خود را منعقد می دارند.

ماده ۲- وظیفه انجمن نامه نگاری بررسی در کار جراید و کمک به مدیر نامه نگاری است. در انجام تکالیفی که اداره راهنمای نامه نگاری بر عهده دارد.

ماده ۳- وزارتخانه ها و ادارات دولتی و شهرداری مکلفند هر روز اطلاعات و اخباری را که مناسب بدانند، در اختیار اداره راهنمای نامه نگاری بگذارند، و همچنین از ترجمه جراید و رساله های خارجی که برای حوائج خود تهیه می کنند، رونوشتی به اداره مزبور ارسال دارند. اخبار و اطلاعات و ترجمه های مذکور در ولایات به نماینده اداره راهنمای نامه نگاری داده خواهد شد.

اداره راهنمای نامه نگاری اخبار و اطلاعات و ترجمه های فوق الذکر را بلافاصله واریس کرده و قسمتی را که مخالف قانون مطبوعات یا مضر به سیاست دولت و اخلاق عمومی نباشد به مخبرین روزنامه ها می دهند، و مکلف است برای این کار روزی دو مرتبه قبل از ظهر و بعد از ظهر در ساعت معین مخبرین جراید را بیدار کند.

روزنامه ها می توانند خود نیز اخباری تحصیل و یا ترجمه هایی تهیه کرده و با اجازه اداره راهنمای نامه نگاری نشر نمایند، ولی اداره راهنمای نامه نگاری نمی تواند مادام که خود اخبار مزبور را بدست نیاورده باشد، آنها را به مخبرین سایر روزنامه ها بدهد.

ماده ۴- اداره راهنمای نامه نگاری به وسایل مختلفه (دادن کنفرانسها - ایجاد کانون مطبوعات - تهیه مجلات و کتب و تصاویر مفیده و جمع آوری قوانین و نظامات سایر ممالک و ارائه آنها به ارباب جراید) سعی خواهند نمود جنبه تربیت و تعلیم روزنامه هارا تکمیل نموده، و جراید را به ترویج خدمات عمومی و تقویت روح ملی و تحریک عواطف و وطن پرستی تشویق کند.

ماده ۵- اداره راهنمای نامه نگاری باید مراقب باشد که:

الف. مقررات این نظامنامه و قوانین تاحدی که مربوط به مطبوعات است کاملاً مراعات و معجزی گردد.

ب. روزنامه های ایران سیاست دولت و مصالح ملی را محترم شمرده و به خلاف آن چیزی ننویسند.

ج. روزنامه ها اصول سیاست داخلی و خارجی دولت را به اطلاع عموم برسانند و افکار عامه را به فواید و اهمیت اقدامات دولت آگاه سازند، و مردم را به اتحاد و اتکاء به نفس و عشق به کار و مفاخرت به آداب و شعائر ملی تحریک کنند، و غرور ملی را در آنان تقویت نمایند، و از درج هر گونه اخبار یا مقالاتی که مابین این عواطف و افکار باشد، خودداری نمایند.

د- از نشر مطالبی که منافی حیثیت کشور یا مختل به امنیت داخلی و مضر به روابط خارجی دولت باشد، دوری نمایند.

ه- از نقل اخبار و درج مقالاتی که تولید نفرت یا رنجش بین افراد ملت یا طبقات مختلف آن نماید، اجتراز کنند.

و- اخبار غیر واقع و مضال خلاف حقیقی که مهیج افکار عمومی باشد، نشر ندهند.

ز- از نشر هر مطلبی که مضر به اعتبار پول کشور باشد، یا موجب تزلزل اعتماد مردم نسبت به آن در داخله یا خارجه بشود، اجتناب کنند.

ح. ادعای نام و هر قسم اوراق دیگری را که مربوط به تعقیبات جنائی و جنحه است قبل از قرائت آنها در جلسه علنی محکمه نشر

ندهند، همچنین از انتشار مذاکرات محاکم در صورتی که محاکمه سری باشد، خودداری کنند.
ط. باجراید و مؤسسات نامه نگاری سایر ممالک روابط مؤثری ایجاد بشود، و با وسائل مختلف ایران و ترقیات آن را در خارج معرفی کنند، و بر علیه هر نوع تبلیغات نامساعدی قویاً مبارزه نمایند.
مطالب روزنامه های سایر ممالک از حیث سیاست خارجی دول و تمایلات آنها و از لحاظ رویه که در اصلاحات داخلی دارند، در جراید ایران نقل و بحث بشود.

ماده ۶. اداره راهنمای نامه نگاری باید راجع به اوضاع و احوال کشور و ترقیات، آن چه از لحاظ اصلاحات داخلی و اقتصادی و مالی و تجاری و چه از حیث مناظر طبیعی و سیاحتی رساله ها و مقالات مصور و جالبی تهیه کرده، در ایران و در خارج منتشر سازند.
ماده ۷. اداره راهنمای نامه نگاری مکلف است از منتخب قطعات جرائد و صورت تلگرافات راجع به حوادث مهمه سایر ممالک با تصاویر و مدارکی که بدست می آید، جنگ منظمی ترتیب بدهد، و همچنین راجع به رجال سیاسی معروف آن ممالک به ترتیب فوق شرح احوالی تنظیم نماید.
ماده ۸. اداره راهنمای نامه نگاری می تواند روزنامه های خارجی یا شماره از آنها را که مضر می داند، از ورود به ایران یا توزیع آنها در ایران جلوگیری نماید.

[سند شماره ۱۵]

ریاست وزراء، شماره ۱۰۰۲۵، تاریخ ۱۳۱۶/۷/۸ ش.

بخشنامه - به عموم وزارتخانه ها - اداره فلاح - اداره کل شهربانی - اداره کل آمار - شهرداری - بانک ملی - بانک فلاحی.
در تعقیب بخشنامه نمره ۷۷۲۷-۱۶/۵۳۱-۱۶/۵۳۱ راجع به دادن بعضی اخبار و اطلاعات لازمه به اداره نامه نگاری وزارت داخله اشعار می شود که: از قرار اطلاعات واصله تاکنون اقدامی در این باب بعمل نیامده، و اطلاعاتی که لازم است در دسترس اداره مزبور گذارده نشده است، و چون بموجب ماده ۷ نظامنامه مربوطه اداره نامه نگاری مکلف است جنگ منظمی از کلیه اطلاعات لازمه و نیشجات جراید خارجه و اسامی رجال سیاسی معروف تهیه و تنظیم نماید و بدون کسب اطلاع تهیه چنین جنگی مقدور نخواهد بود. لازم است دستور فرمایید اطلاعات جامعی که برای نشر و تبلیغ نسبت به شئون کشور مفید می باشد به وسیله وزارت داخله در دسترس اداره نامه نگاری بگذارند.
رئیس الوزراء

[حاشیه] به اداراتی که بخشنامه سابق ابلاغ نشده است رونوشتی از آن بخشنامه در ضمن بخشنامه جدید ارسال شود.
از بخشنامه اول سه نسخه نوشته شود، ۱۶/۷/۸

حامدی

بانک ملی ایران، اداره مطالعات اقتصادی و مالی، شماره ۵۵۱/۶ بتاریخ ۱۴ مهر ماه ۱۳۱۶ ش.

ریاست الوزراء - در پاسخ بخشنامه شماره ۱۰۰۲۵ مورخ ۱۳۱۶/۷/۸ اشعار می دارد، در اجرای بخشنامه شماره ۷۷۲۷ مورخ ۱۶/۵۳۱ اخیر اقتصادی که در این بانک از روزنامه های خارجه اقتباس و ترجمه می شود، مرتباً برای اداره نامه نگاری وزارت داخله فرستاده شده، و از فرستادن اطلاعات مناسب دیگر نیز خودداری نخواهد شد.

بانک ملی ایران

[حاشیه] رونوشت در جواب به وزارت داخله فرستاده شود، ۱۶/۷/۱۵

[سند شماره ۱۶]

وزارت داخله، اداره راهنمای نامه نگاری، نمره ۳۱۸، بتاریخ ۱۳۱۶/۱۲/۲۵ ش. محرمانه.

جناب آقای رئیس الوزراء - گویا بر حسب رأی کمیسیون چنین بنا شده است که نمایندگان جراید خارجی اگر در تهران خواستند به جایی مراجعه کنند که از اوضاع کشور مطلع شوند، باید به اجازه اداره نامه نگاری باشد، تاکنون هم دو سه مرتبه این اتفاق افتاده است، بنابراین اصولاً از لحاظ وظایفی که این اداره راجع به تبلیغ و نمایاندن ترقیات کشور دارد، اداره نامه نگاری باید یک مجموعه کامل و یک ذخیره بی نقص از کلیه اوضاع و احوال و ترقیات کشور داشته باشد که بر حسب اقتضاء و هنگام ضرورت و مطابق مصالح آنچه لازم است، به جراید داخلی یا نمایندگان جراید خارجی داده شود.

تاکنون بموجب درخواست این اداره آن جناب بخشنامه هایی به ادارات فرستاده اید و خود این اداره هم احتیاطاً این درخواست را که سالنامه های چاپی خود را برای ما فرستاده، و همچنین وزارت عدلیه بعضی از آمارهای خود برای اداره نامه نگاری فرستاده، از وزارتخانه های دیگر چیزی فرستاده نشده است.

بنده خیال می کنم اداره نامه نگاری یکی از محترم ترین و معتدترین ادارات دولتی باید باشد که از سپردن اسرار دولتی به آن اداره نباید هراسی داشت، دیگر چه رسد به اطلاعاتی که نشر آن باعث مباحث و افتخار کشور است، بنابراین خیلی درشگفتم که چرا این رویه را به این اداره معمول می کنند.

بنابراین از آن جناب درخواست می کنم که یا این قضیه را بطور اتم و اکمل حل بفرمایید، یعنی تمام وزارتخانه ها اطلاعات مهم و مبسوط و آمارهای روشن که نماینده پیشرفتهای صنعتی و اقتصادی و معارفی حاکی از استحکام بنیان انتظام جامعه و استحکام مبانی حکومت و قوت یافتن بنیه مالی دولت است به اختیار ما گذاشته و حتی هر وقت چیز تازه و اطلاع جدیدی برایشان حاصل شود وظیفه خود بدانند که اداره نامه نگاری را از آن مستحضر نمایند، و همچنین اگر این اداره هر گونه اطلاعی (البته غیر محرمانه زیرا ممکن است در هر وزارتخانه ای مطالبی باشد که باید دور از دسترس اطلاع دیگری باشد) لازم داشته باشد، از آن مضایقه نکنند، و یا این که اجازه بفرمایید این اداره مطلقاً نمایندگان جراید خارجی را نپذیرد، و برای جراید داخلی خود هم به همین اطلاعات مبهم و احیاناً مبتذلی که فعلاً نشر می دهند، قناعت شود.

با تقدیم مراتب ارادت و احترامات فائقه - رئیس اداره راهنمای نامه نگاری

(امضا): علی دشتی

[حاشیه] جواب داده شود، بهترین است اطلاعاتی که لازم دارید، به شکل سوال تهیه نموده، نزد اینجناب بفرستید، تا به وزارتخانه ها و [ادارات] گفته شود، جواب آن را بدهند. از علت ندادن جواب وزارتخانه البته خوب مطلع هستید قبلاً باید معلوم شود چه اطلاعی لازم است. وزارتخانه ها از دادن جواب معذور خواهید کرد.

[این جواب طی شماره ۱۷۴۲۱- در تاریخ ۱۳۱۷/۷/۱۶ ش. بطور محرمانه برای دشتی رئیس اداره نامه نگاری فرستاده شده]

بودجه اداره راهنمای نامه نگاری در طی سالهای ۱۳۱۶-۱۳۱۹ ش.

بودجه اداره راهنمای نامه نگاری در سال ۱۳۱۶ ش.

[سند شماره ۱۷]

وزارت داخله، شماره ۱۱۸۵۰/۵۶۸۱۷، بتاریخ ۱۳۱۶/۹/۱۶ ش.

ریاست وزراء - به قسمی که خاطر مبارک مستحضر است، چندی قبل تیمسار سرپاس مختاری امر مطاع مبارک را ابلاغ کردند که اداره نامه نگاری برای نوشتن مقالات روزنامه ها چند نفر نویسنده قابل اجیر نماید و حقوق آنها را بپردازد، چون در بودجه اداره نامه نگاری محلی برای حقوق آنها نبوده، اداره نامبرده اعتبار حقوق نویسندگان مزبور را با تصویب تیمسار سرپاس مختاری تهیه، و مبلغ ۴۸۰۰۰ ریال برای حقوق چهار ماهه آنها تقاضا کرده که به انضمام مبلغ ۱۲۰۰۰ ریال که برای تکمیل اثاثیه خود لازم داشتند به وزارت مالیه نوشته شد و تقاضا گردید مبلغ مزبور را بطور قرض به وزارت داخله بدهند.

نظر به اینکه وزارت مالیه از تاریخ ۱۶/۷/۱۶ به نامه وزارت داخله جواب نداده اند، و جناب آقای وزیر مالیه همان قسم که خاطر مبارک مستحضر است در هیأت دولت هم با وجود مذاکرات متوالیه تصمیمی اتخاذ نفرمودند، و از طرفی تعویق در اجراء امر مطاع مبارک ممکن است موجب مسئولیت واقع گردد، مراتب را معروض داشت که اوامر لازمه به عهده وزارت مالیه صادر بفرمایند.

(امضا): ابوالقاسم فروهر

به عرض برسد. ۱۶/۹/۱۶

[سند شماره ۱۸]

وزارت داخله، شماره ۱۳۴۲۱/۲۰۴، بتاریخ ۱۳۱۶/۹/۲۸ ش.

هیأت وزراء در جلسه ۲۷ آذر ماه ۱۳۱۶ تصویب نمودند که وزارت مالیه مبلغ ۴۸۰۰۰ ریال برای تکمیل بودجه نامه نگاری به شرح

زیرین:

حقوق یک نفر نویسنده ماهی ۲۵۰۰ ریال چهار ماهه ۱۰۰۰۰ ریال

حقوق یک نفر نویسنده ماهی ۲۵۰۰ ریال چهار ماهه ۱۰۰۰۰ ریال

حقوق یک نفر نویسنده ماهی ۳۰۰۰۰ ریال چهار ماهه ۱۲۰۰۰ ریال
تفاوت حقوق رئیس اداره ماهی ۵۰۰ ریال هشت ماهه ۴۰۰۰ ریال
اعتبار برای تکمیل اثاثیه و ملبوس مستخدمین ۱۲۰۰۰ ریال
جمع ۴۸۰۰۰ ریال

به عنوان وام به وزارت داخله پردازده و وزارت داخله آنچه از وجه مزبور تا آخر سال ۱۳۱۶ [۱] مصرف شد، در بودجه سال ۱۳۱۷ منظور و مسترد نماید.

[امضای اعضاء هیأت وزراء] محمود جم - ابوالقاسم فروهر - محمود بدر - دکتر احمد متین دفتری - حسین رخشانی حسین علاء.
[حاشیه] فوری است - به وزارت مالیه نوشته، وزارت داخله دوازده هزار ریال جهت تهیه و تکمیل اثاثیه اداره نامه نگاری و چهار هزار و هشتصد ریال برای حقوق چهار ماهه سه نفر نویسنده تقاضای اعتبار نموده است، چون تا آخر سال پیش از سه ماه باقی نمانده تصور می رود اگر وزارت مالیه معادل چهار هزار و هشتصد ریال اعتبار بدهد، هر دو منظور انجام می گیرد؛ مقرر دارید و ترتیب تأمین این اعتبار را بدهند که در اجرای امر که توسط سرپاس مختار ابلاغ گردیده، تأخیر نشود.

[امضا]: پیر نهاد ۱۶/۹/۱۹

[رونوشت این نامه برای اطلاع وزارت داخله فرستاده شده]

تعیین محل اداره راهنمای نامه نگاری

[سند شماره ۱۹]

ریاست وزراء، فوری است.

وزارت طرق - نمره ۱۵۰۶۲ - ۱۶/۱۰/۲۹ - آقای رئیس کل شهربانی تقاضا دارد و اتاق به اداره نامه نگاری که اخیراً کارش بسط پیدا کرده، واگذار شود. مقرر دارید از اتاق های سابق وزارت داخله که شخصاً به اختیار وزارت طرق گذارده شده است، دو اتاق زودتر به اداره نامه نگاری بدهند، اگر دادن دو اتاق مشکل باشد، یک اتاق مشکل باشد، یک اتاق حتماً و هر چه زودتر بدهند که اداره نامه نگاری بتواند وظایف خود را انجام دهد.

[امضا]: پیر نهاد

وزارت طرق و شوارع، تاریخ هشتم اسفند ۱۳۱۶ ش.، فوری، محرمانه مستقیم.

حضور جناب آقای رئیس الوزراء، راجع به رویه غیر منتظره مأمور اداره کل شهربانی در تصرف اتاق آقای رئیس کل طرق از نتیجه اقدامی که بنا بود مقرر فرمایند بعمل آید، هنوز اطلاعی نرسیده است. آقای افشار - رئیس کل طرق - هم حقاً از این اقدام آزرده شده، استعفا داده است. بطوری که حضوراً هم عرض کردم، این طرز عمل سکنه سختی به کارهای وزارتخانه وارد می آورد که تحمل آن برای بنده غیر ممکن است، و چون نمی شود بیش از این امرار وقت نمود، تمنی است اگر از راه حلی هم که برای تسهیل کار ارائه شده، نتیجه حاصل نمی شود، بنده را لطفاً زودتر مستحضر فرمایید تا در صورت یأس بانزورده مستقیماً مراتب را به شرف عرض برسانم، هر چند مطلب کوچک و مقتضی آن است که شخصاً بطوری که وعده فرمودید آن را حل فرمایید. در هر حال امروز نتیجه تصمیم و امر عالی را انتظار دارم.

[امضا]: مجید آهی

[حاشیه]: مذاکره و موضوع حل شده، ضبط شود.

تصویب نامه انتقال عبدالرحمن فرامرزی به اداره راهنمای نامه نگاری

[سند شماره ۲۰]

وزارت داخله، شماره ۲۸۵، بتاريخ ۵ اسفند ۱۳۱۶ ش.

تصدقت کردم حسب الامر عین پیشنهادی وزارت داخله و مفاد تصویب نامه هیأت وزراء را لفاً حضور مبارک تقدیم و استدعا دارم عصر روز شنبه آن را تصویب فرمایند.

با تقدیم مراتب بندگی [امضا]: علی دشتی

[حاشیه]: تصویب نامه تهیه شود.

- به عرض برسد. ۱۶/۱۲/۵

- هیأت وزراء ۱۶/۱۲/۷

وزارت داخله، رونوشت پیشنهاد تصویبنامه ۷۰۴۲۳/۱۹۸۰۲، مورخه ۱۶/۱۱/۲۰ [ش. ۱۳].

به وسیله وزارت مالیه - هیأت وزراء - آقای عبدالرحمن فرامرزی - دبیر ادبیات دبیرستانهای مرکز - اخیراً به سمت متخصص جریده نگاری از وزارت معارف به وزارت داخله منتقل شده است. و چون مشارالیه در وزارت معارف ماهیانه یک هزار و پانصد ریال حقوق داشته و طبق مقررات پرداخت بیش از یک عشر علاوه از حقوق سابق محتاج به صدور تصویبنامه است، اینک نظر به این که مشارالیه متخصص جریده نگاری و وزارت داخله بوجود مشارالیه احتیاج دارد، طرح تصویبنامه ضمیمه موضوع پرداخت ماهی دو هزار ریال حقوق به مشارالیه تقدیم، و استدعای تصویب آن رامی نماید.

وزیر داخله

رونوشت مطابق اصل است. اداره کارگزینی وزارت داخله.

ریاست وزراء، شماره ۱۶۸۴۴/۴۶۰، بتاریخ ۱۳۱۶/۱۲/۱۴ ش.

هیأت وزراء در جلسه یازدهم اسفندماه ۱۳۱۶ طبق پیشنهاد شماره ۷۰۴۲۳/۱۹۸۰۲ وزارت داخله تصویب نمودند که آقای عبدالرحمن فرامرزی دارای شناسنامه: شماره ۱۴۵۳۰، صادره از تهران، بدون رعایت مقررات مربوط به مستخدمین کتراتی از تاریخ اول بهمن ماه ۱۳۱۶ با حقوق ماهیانه دو هزار ریال به سمت متخصص جریده نگاری کترات شود.

[امضای اعضاء هیأت دولت] محمود جم - مجید آملی - مهدی فرخ - حسین رخشانی - حسین علاء

مکاتبات مربوط به انتقال سعیدی و پاینده به اداره راهنمای نامه نگاری

[سند شماره ۲۱]

وزارت داخله، اداره کارگزینی

وزارت مالیه - هیأت وزراء در جلسه ۱۳۱۷ طبق پیشنهاد شماره ۱۶۸۰/۱۰۹ - ۱۷/۱۳ وزارت داخله تصویب نمودند که آقای محمد سعیدی - عضو کتراتی سابق وزارت طرق - با حقوق ماهیانه ۲۵۰۰ ریال به سمت معاونت اداره راهنمای نامه نگاری [که آقای ابوالقاسم پاینده - عضو کتراتی سابق وزارت معارف - با حقوق ماهیانه ۱۲۰۰ ریال به سمت متخصص جریده نگاری بدون رعایت مقررات مربوطه به مستخدمین کتراتی و بدون جلب موافقت وزارت (وزارتین طرق و معارف نسبت به انتقال مشارالیه از تاریخ فروردین ماه ۱۳۱۷ کترات شود.

[حاشیه]: تصویبنامه در دفتر ریاست وزراء است.

- رونوشت به وزارت داخله

- سه نسخه پاکتویس شد. ۱۷/۲/۱۸

- تا شنبه اضافه چهار نسخه تجدید شد.

وزارت داخله، اداره کارگزینی، نمره ۱۶۸۰/۱۰۹، بتاریخ ۱۳۱۷/۱/۲۳ ش.

ریاست وزراء - بطوری که خاطر مبارک مستحضر است اداره راهنمای نامه نگاری با وظایفی که عهده دار است، احتیاج به اشخاصی دارد که علاوه بر داشتن معلومات و ذوق و سلیقه مقاله نویسی از هر حیث طرف اعتماد و اطمینان باشند. چندی قبل به همین منظور انتقال آقای محمد سعیدی - عضو کتراتی وزارت طرق - که به عنوان مترجم انگلیسی در آن وزارتخانه استخدام، و ماهیانه مبلغ ۱۷۰۰ ریال حقوق دریافت می نموده، از آن وزارتخانه خواسته شد، ولی وزارت طرق با انتقال او موافقت نمودند. نظر به آن که مشارالیه از اول سال ۱۳۱۷ به خیال پرداختن به کار آزاد خدمت وزارت طرق را ترک نموده است، طبق پیشنهاد اداره راهنمای نامه نگاری با حقوق ماهیانه ۲۵۰۰ ریال به سمت معاونت اداره مزبور پیشنهاد می شود.

همچنین آقای ابوالقاسم پاینده را که قبلاً در وزارت معارف و اوقاف به خدمت اشتغال داشته، و ماهیانه مبلغ ۸۰۰ ریال حقوق و به عنوان مختلفه دیگر از قبیل: ترجمه کتاب و کرایه درشکه برای بازرسی دبیرستان ها تقریباً ۱۲۰۰ ریال دریافت می نمود، با حقوق ماهیانه ۱۲۰۰ ریال به سمت متخصص جریده نگاری پیشنهاد می نماید.

و نظر به این که دو فقره حقوق پیشنهاد شده زاید بر میزانی است که طبق مقررات به مستخدمین کتراتی می توان تأدیه نمود، طرح

تصویبنامه ضمیمه تقدیم می شود مد تدعی است امر به تصویب آن فرمایند.

به جای وزیر داخله [امضا]، احمد فریدونی

[حاشیه]: فردا دوشنبه در هیأت مطرح شود.

- فرمودند به هیأت تقدیم شود. ۱۷/۷/۲۵

- تصویبنامه تهیه شود. ۱۷/۲۷

ریاست وزراء، شماره عمومی ۱۹۴۷، تاریخ ۱۳۱۷/۲/۱۲ ش.

وزارت داخله - پیشنهاد شماره (۱۶۸۰/۸۰۹) ۱۷/۷۳۳ آن وزارتخانه راجع به استخدام آقایان محمد سعیدی و ابوالقاسم پاینده در اداره راهنمای نامه نگاری در هیأت وزراء مطرح و مورد تصویب واقع شد.

رئیس الوزراء

دبیران

[سند شماره ۲۲]

وزارت داخله

فدایت شوم، بنده از روز اول حضور مبارک عرض کردم، بنده مستظرف به مراسم حضرت اشرف هستم و شخص بر تقاضا و مزاحمی هم نیستم، و در تمامی این مزاحمتهایی که نموده ام وضعیت کارم مستلزم آن بوده، و امیدوار بودم با لطف عالی همه آنها انجام پذیرد. سوابق و نطق و حسن نیت و بالاخره مقام و موقعیت حضرت اشرف طوری است که مرا به حیرت می اندازد، از این که قبلاً وزیر طرق رأی و عقیده خود را از پیش ببرد همانطوری که شفاهاً عرض کردم، آقایان وزراء به واسطه داشتن اعتبارات و بودجه مفصل می توانند حقوق شخصی را کم معین کرده و به عنوان دیگر به او کمک کنند. علاوه بر این نویسنده آن هم نویسنده ای که طرف اعتماد باشد، مثل مستخدمین عادی نیستند که انسان بتواند با مختصر اغماضی آنها را استخدام کند، از همین روی بنده ناچار بودم که آن سه نفر با اضافاتی پیشنهاد کنم. الان خیلی خوشحالم که سعیدی را استخدام نکردم و الا باین جوابی که امروز فرمودید به کلی حالم بد می شد، و خیلی متأسفم که پاینده را از اول سال به اتکاء همان لطف حضرت اشرف استخدام کردم. حال مستدعیم اقلاً این یک نفر را خواهشمندم در جلسه روز دوشنبه تصویب بفرمایند که بتواند با دلگرمی مشغول کار خود شود. در خاتمه مراتب اطاعت و بندگی خود را تجدید می نمایم.

[امضا]: علی دشتی

[حاشیه]: فوری است. تصویبنامه تهیه شود، اداره نامه نگاری مجاز است آقای پاینده را برای اداره نامه نگاری با حقوق... استخدام کند. ۱۷/۳۱۰

دفتر ریاست وزراء، شماره عمومی ۵۱۵۳، تاریخ ثبت ۱۳۱۷/۴/۲۷ ش.

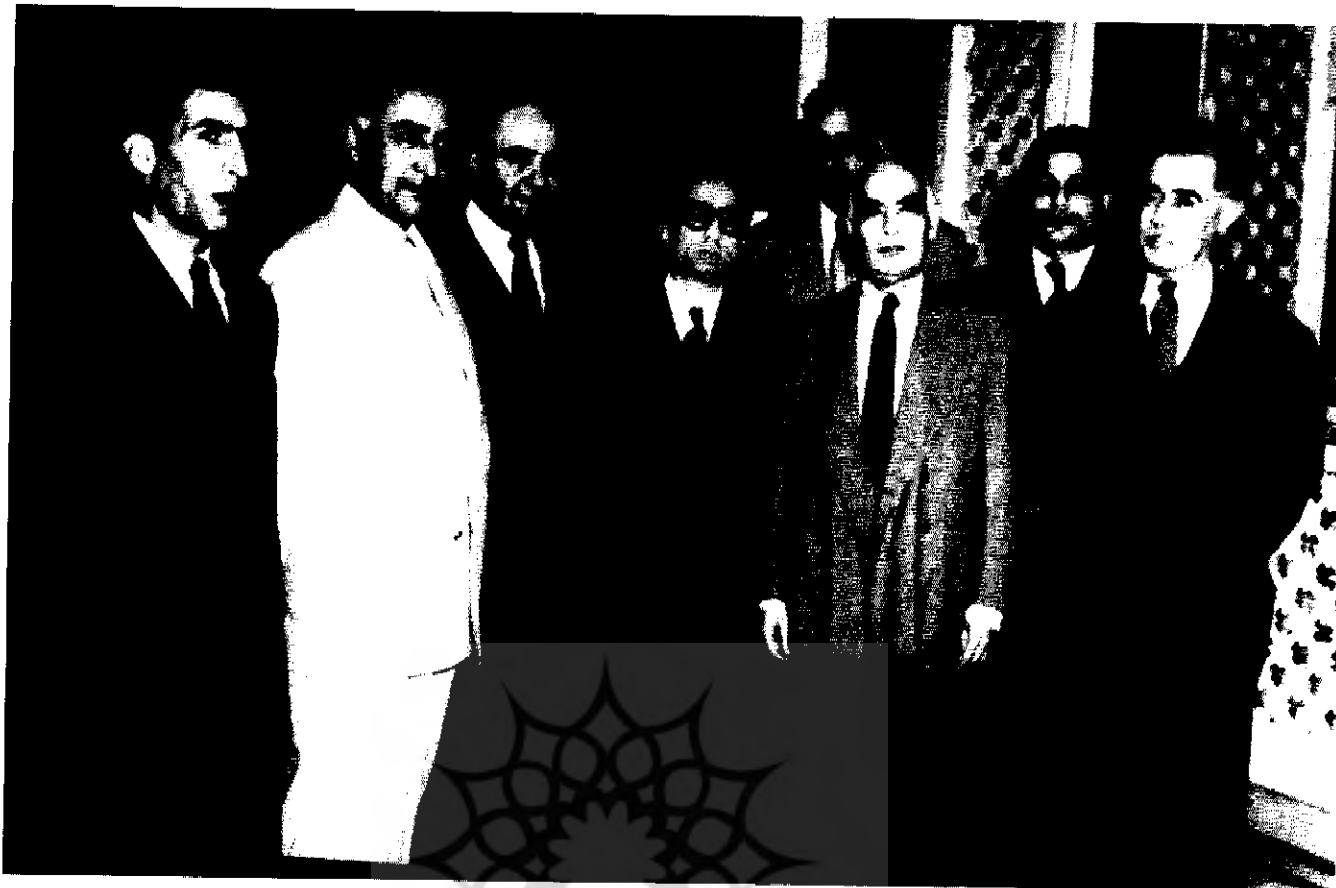
وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه - آقای ابوالقاسم پاینده که سابقاً در وزارت معارف و اوقاف کتتراتی بوده و کتترات او سر آمده است، در اداره نامه نگاری وزارت داخله به سمت متخصص جریده نگاری از اول فروردین ۱۳۱۷ کتترات شده است. لهذا قدغن خواهید فرمود موافقت آن وزارتخانه را نسبت به انتقال مشارالیه به وزارت داخله اعلام دارند. فرمودند تصویبنامه هم صادر شود با قید اینکه با موافقت وزارت معارف و اوقاف نسبت به انتقال مشارالیه.

[امضا]: عبدالحمید ملک الکلامی

[حاشیه]: به خط مبارک اضافه فرموده اند - اگر چه آقای پاینده عضو کتتراتی است، برای اینکه به اطلاع وزارت معارف این استخدام شده باشد همینقدر کافی خواهد بود که وزارت معارف به ریاست وزراء بنویسد که با استخدام مشارالیه در اداره نامه نگاری موافقت دارد.

وزارت داخله، شماره ۴۰۵۷۹، بتاریخ ۱۳۱۷/۵/۲۲ ش.

ریاست وزراء - تعقیب نامه شماره ۱۶۸۰/۸۰۹ - ۱۷/۷۳۳ راجع به استخدام آقای پاینده به سمت نویسندگی و عضویت اداره نامه نگاری معروض می دارد، چون اداره نامبرده با وظایفی که بر عهده دارد به اشخاصی نیازمند است که در کار نامه نگاری دارای سابقه و بصیرت کافی بوده، و بعلاوه از هر حیث طرف اعتماد و اطمینان باشند. مجدداً بر حسب تقاضای اداره نامه نگاری استخدام آقای ابوالقاسم پاینده را که قبلاً در وزارت معارف و اوقاف به خدمت اشتغال داشت، و ماهیانه مبلغ ۸۰۰ ریال حقوق و به عنوانین مختلفه دیگر از قبیل: ترجمه



نفر اول از سمت راست عبدالرحمن فرامرزی

کتاب و کرایه درشکه برای بازرسی آموزشگاهها در حدود ۴۰۰ ریال دریافت می نمود، به سمت متخصص نامه نگاری با حقوق ماهیانه ۱۲۰۰ ریال از اول فروردین ماه سال جاری پیشنهاد می نماید، و نظر به اینکه حقوق پیشنهاد شده زاید بر میزانی است که طبق مقررات می توان به مستخدمین کتراتی تأدیہ نمود، مستدعی است استخدام ایشان را با حقوقی که درخواست شده، تصویب و تصویب نامه آن را ابلاغ فرمایند.

بجای وزیر داخله [امضا]: احمد فریدونی

[حاشیه] تصویب نامه تجدید شود.

ریاست وزراء

هیأت وزراء در جلسه ماه ۱۳۱۷ طبق پیشنهاد شماره ۱۶۸۰/۱۰۹-۱۷/۷۱۳ وزارت داخله تصویب نمودند که آقای ابوالقاسم پاینده با حقوق ماهیانه ۱۳۰۰ ریال به سمت متخصص جریده نگاری بدون رعایت مقررات مربوطه به مستخدمین کتراتی و با موافقت وزارت معارف و اوقاف نسبت به انتقال مشارالیه حاصل شده، از تاریخ فروردین ماه ۱۳۱۷ کتترات شود.

[امضای اعضاء هیأت وزراء]: ابوالقاسم فروهر - محمود بدر - محمد حکیمی - مظفر اعلم.

ریاست وزراء شماره ۶۳۷۵/۱۰۲۸، بتاريخ ۱۳۱۷/۵/۳۰ ش.

هیأت وزراء در جلسه ۲۹ مرداد ماه ۱۳۱۷ بموجب پیشنهاد شماره ۴۰۵۷۹-۱۷/۵۲۲ وزارت داخله تصویب نمودند که آقای ابوالقاسم پاینده نجف آبادی - عضو سابق اداره انطباعات وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه - از اول فروردین ماه ۱۳۱۷ به سمت متخصص نامه نگاری با حقوق ماهیانه یک هزار و دویست ریال در وزارت داخله استخدام و کتترات شود.

[امضای اعضاء هیأت وزراء]: محمود جم - ابوالقاسم فروهر - مظفر اعلم - مجید آهی - محمود بدر - اسماعیل مرآت - دکتر احمد متین دفتری.

تصویبنامه حقوق حجازی، مدیر مجله نامه نگاری

[سند شماره ۲۳]

وزارت کشور، اداره بودجه، شماره ۲۰۳۸۶/۴۹۸۶۴ ب، بتاریخ ۱۳۱۸/۱/۸ ش.

اداره حسابداری وزارت کشور - عطف به نامه شماره ۲۰۹۱۹ بتاریخ ۱۸ اسفند ماه ۱۳۱۷ راجع به حقوق آقای محمد حجازی، مدیر مجله نامه نگاری با صدور تصویبنامه پرداخت مبلغ ۲۱۲۰ ریال حقوق ماهیانه مشارالیه از تاریخ ۱۷ بهمن ماه تا آخر اسفند ماه ۱۳۱۷ از محل ۳۵۰۰ ریال حقوق ریاست نامه نگاری موافقت می شود.

وزیر دارایی

رونوشت مطابق با اصل است.

وزارت داخله، اداره حسابداری، شماره ۵۸۴/۵۳۳۵، بتاریخ ۱۳۱۸/۱/۱۹ ش.

جناب آقای نخست وزیر، چون در نظر است آقای محمد حجازی به سمت مدیریت مجله که می بایست منتشر شود، منصوب گردد، با تقدیم طرح تصویبنامه پیوست متمنی است تصویب فرمایند، حقوق از تاریخ ۱۷ بهمن تا آخر اسفند ۱۳۱۷ پایه مشارالیه از محل ۳۵۰۰ ریال حقوق ریاست اداره نامه نگاری پرداخت شود. وزارت دارایی نیز به نامه شماره ۲۰۳۸۶/۴۹۸۶۴ مورخه ۱۳۱۷/۷/۱۸ که رونوشت آن پیوست است موافقت فرموده اند.

وزیر کشور علی اصغر حکمت

[حاشیه]: هیئت ۱۳۱۹

وزارت کشور، شماره ۸۷۹/۱۱۸، بتاریخ ۱۳۱۸/۱/۲۳ ش.

هیأت وزیران در نشست ۱۳۱۷/۲۰ بر حسب پیشنهاد شماره وزارت کشور و موافقت نامه شماره وزارت دارایی تصویب نمودند ماهی ۲۱۲۰ ریال حقوق ماهیانه از ۱۷ بهمن تا آخر اسفند ۱۳۱۷ به آقای حجازی - مدیر مجله نامه نگاری - از محل ۳۵۰۰ ریال حقوق ریاست اداره نامه نگاری پرداخته شود.

[امضای اعضاء هیأت دولت]: محمود جم - دکتر محمد سجادی - محمود بدر - سرتیب مهدیقلی تاجبخش - اسماعیل مرات - محمد ابراهیم شوکت الملک علم - علی اصغر حکمت - علی منصور.

گزیده‌ای از اسناد نظارت اداره‌های راهنمای نامه نگاری و انطباعات بر نشریات

[سند شماره ۲۴]

شماره ۳۸۹ اکتبر ۱ - ۱۹۳۸ م. ۹ مهر ماه - ۱۳۱۷ ش.

ریاست اداره نامه نگاری تهران - اینجانب در صدد می باشم مقاله‌ای تحت عنوان (خط آهن سراسری ایران، ثروت‌های معدنی، منابع کشاورزی و پیشرفتهای صنعتی ایران) برای روزنامه تایپس لندن تهیه نمایم، و در دو ماه قبل جناب آقای نخست وزیر فرمودند که ممکن است اطلاعاتی را که لازمه انجام این منظور است از آن اداره بدست آورد.

بنابراین فهرست کامل اطلاعات لازمه را با اضافه فهرست دیگری شامل پرسش‌های جداگانه راجع به هر موضوع به پیوست تقدیم داشته، و خواهشمند است در ظرف دو یا سه هفته پاسخ آنها به اینجانب داده شود.

علاوه بر آنچه در صورت‌های نامبرده پرسش شده اطلاعات زیرین نیز مورد احتیاج است:

۱- بنگاههای صنعتی ایران.

۲- کان‌های مختلف کشور و نقشه مطروح نواحی و نقاطی که این کان‌ها در آنجا کشف شده.

نظیر آن نقشه رادو سال قبل در نمایشگاه دانشی صنایع در تهران مشاهده نموده و ممکن است آن را از وزارت صناعت و معادن تحصیل نمود.

با تقدیم احترامات

مهندس ن - ت - توروسیان معمار

خیابان منوچهری مقابل سفارت انگلیس - تهران
رونوشت با اصل ترجمه یکسان است.

شماره ۳۹۰

فهرست مسائلی که در خصوص آنها درخواست اطلاعات می شود (پرسش های مختلف راجع به هر موضوع در فهرست شماره ۳۹۱ بترتیب در مقابل با حروف و کلمات نوشته شده)

- ۱- تریاک (انحصار) ۴،۳،۲،۱، ۵، ۶، ۷، ۹، ۸
- ۲- کارخانه های قند (انحصار) ۴،۳،۲،۱، ۵، ۶، ۷، ۹، ۸
- ۳- شرکت پشم، پنبه، پوست ۴،۳،۲،۱، ۵، ۶، ۷، ۹، ۸
- ۴- اداره تثبیت ارزش غله ۴،۳،۲،۱، ۵، ۶، ۷، ۹، ۸
- ۵- کارخانه های کبریت سازی ۴،۳،۲،۱، ۵، ۶، ۷، ۹، ۸
- ۶- انحصار توتون و تنباکو ۴،۳،۲،۱، ۵، ۶، ۷، ۹، ۸
- ۷- شرکت برنج ۴،۳،۲،۱، ۵، ۶، ۷، ۹، ۸
- ۸- شرکت صادرات کتیرا ۴،۳،۲،۱، ۵، ۶، ۷، ۹، ۸
- ۹- بیله کرم ابریشم ۴،۳،۲،۱، ۵، ۶، ۷، ۹، ۸
- ۱۰- شرکت چای ۴،۳،۲،۱، ۵، ۶، ۷، ۹، ۸
- ۱۱- شرکت صادرات روده ۴،۳،۲،۱، ۵، ۶، ۷، ۹، ۸

۱۲- اداره بهداشتی کل و وظایف آن:

- ا. مبارزه بر علیه مالاریا و سایر بیماریهای مسری
- ب. ساختمان بیمارستانها
- ج. منع استعمال ادویه مخدره
- د. بازرسی فروش و استعمال مخدرات
- ه. تهیه آب مشروب در شهرستانها
- و. تهیه ادویه مخدره در داخله
- ز. استخدام پزشکان مخصوص برای بهداشتی

رونوشت با اصل ترجمه یکسان است.

مهندس ت. توروستان

شماره ۳۱۹

صورت پرسش ها راجع به مسائلی که در فهرست شماره ۳۹۰ مندرج است مورد احتیاج است

۱. آیا انحصار و یک اداره دولتی است یا یک بنگاه معمولی؟
 ۲. میزان سرمایه آن چه مبلغی است؟
 ۳. میزان فرستاده آن در سال ۱۹۳۹ - ۱۹۴۰ چه خواهد بود؟
 ۴. وظایف و کارهای آن چیست؟
 - ا. طریق تهیه و فرستادن آن به خارجه؟
 - ب. کمک های مالی که به کشاورزان می شود؟
 - ج. طریقی که برای ازدیاد محصول پیروی می شود؟
 - د. طریقه ای که برای بهبودی محصول بکار برده می شود؟
 - ه. ساختمان سیلواها و کارخانه های تهیه آرد؟
 - و. بازرسی مصرف محلی.
 ۵. آیا متخصصینی از خود دارید؟
 ۶. چه مبلغی از سود سالیانه آن به خزانه دولت پرداخته می شود؟
 ۷. آیا کشت آن تشویق می شود؟
 ۸. اقسام و شماره های آن (انحصار) شرکت (کارخانه)؟
 ۹. میزان تخمینی محصول در سال ۱۹۳۹ - ۱۹۴۰
- رونوشت با اصل ترجمه یکسان است.

[سند شماره ۲۵]

وزارت داخله، اداره کل شهربانی، نمره ۳۸۵۵/۷۳۹، بتاریخ ۱۵/۹/۳ [۱۳ ش.]، محرمانه.

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه. عطف به مرقومه نمره ۴۲۹/۱۹۴۲ راجع به روزنامه استوار قم که مرقوم داشته‌اند تصویبنامه هیات وزراء راجع به جمع آوری و نشر اخبار به نظر آن وزارتخانه مربوط به جراید مرکز می باشد بطوری که ملاحظه می فرمایند، در تصویبنامه ذکری از جراید مرکز و یا ولایات نگردیده است، بنابراین در صورتی که مقررات آن نسبت به جراید مرکز مجری می گردد قطعاً در مورد جراید ولایات هم باید به همان طریق عمل شود. بعلاوه نسبت به موضوع فوق الذکر شرحی در موقع خود از وزارت داخله واصل گردیده که سواد آن برای مزید اطلاع آن وزارتخانه و اقدام مقتضی منضمماً ابفاد می گردد.

رئیس اداره کل شهربانی - سر تیپ [رکن الدین] مختار

[حاشیه]: اداره انطباعات. ضمیمه نداشت. ۱۵۳۳/۱۰

نمره ۱۵۳۳/۱۰.۵۹ ثبت دفتر محرمانه.

شماره سند ۱۶۹۸۵/۲۹۷۰۰۶.۱۲۲۰۰۶. محل در آرشو ۲۰۵ س ۱۱ آپ ۱

[سند شماره ۲۶]

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، اداره معارف و اوقاف گیلان، دایره دفتر،

شماره ۱۱۶۳، تاریخ ۱۳۱۷/۱/۲۳ ش.

وزارت معارف و اوقاف بر اثر وصول نامه شماره ۳۱.۶ صادره از اداره انطباعات آقایان مدیران روزنامه های پرورش و گذران توده رابه اداره معارف دعوت کرده، بدون اشاره به مرقومه وزارتی در موضوع اصلاحات صوری و معنوی روزنامه های آنها مسوولاً مذاکره آنان را متذکر ساخت که هر گاه توجه بیشتری در اصلاح روزنامه خود نموده صفحات آن را با مطالب مفید اخلاقی و اجتماعی و اخباری آراسته و در اصلاح حروف و کاغذ و تنظیم مطالب و ترتیب چاپ و انتشار آن اهتمام نمایند، علاوه بر آن که جلب خوانندگان و خریداران بیشتری خواهند نمود، در آبرومند ساختن وضع روزنامه های کشور در انظار داخلی و خارجی نیز کمک موثری بعمل خواهند آورد. مدیران مذکور با حسن استقبالی که از این مذاکرات ابراز داشتند که تقاضای اداره معارف نمودند یکی این که از وزارت متبوعه تقاضا شود اجازه صادر فرمایند خبرگزاری پارس مانند چند نقطه دیگر از شهر ستانها اخبار خارجی را همه روزه به آنها بدهد. دیگر این که اداره معارف با یکی از چاپخانه های مرکز مذاکره نماید تا طبق قرارداد مخصوص دو ماه چند گراور مربوط به امور این استان برای جراید رشت تهیه و قیمت آن را دریافت دارند.

اکنون با ابلاغ تقاضاهای مدیران جراید رشت و با تذکر این که در صورت انجام آن کمک موثری در اصلاح جراید این سامان خواهد شد. مستدعی است: اولاً اجازه دادن اخبار خارجی را بوسیله خبرگزاری پارس به جراید رشت صادر بفرمایند، زیرا با نداشتن اخبار مزبور اهالی و اظهار علاقه به جراید محلی ننموده و بالنتیجه هیچگونه اصلاحی در وضع روزنامه ها نمی توان انتظار داشت. ثانیاً با یکی از چاپخانه های اطلاعات یا ایران مذاکره بفرمایند تا از لحاظ مساعدت با جراید رشت حاضر شوند. در هر ماه مرتباً به تعداد معینی عکس های ارسالی جراید رشت را گراور کرده، و قیمت آن را با آنان ارزان محسوب دارند تا بتوانند این خرج را که برای اصلاح روزنامه خود به عهده می گیرند تحمل نموده، و بانشر عکس های انبیه و عمارات و آثار عمران و آبادی گیلان به رونق و زیبایی روزنامه ها افزوده، ضمناً منظور اولیاء امور را بعمل آورند.

مستدعی است مقرر فرمایند تا به مدیران جراید ابلاغ شود. در سایر حوایج مجلی نیز به آنها مساعدت های لازم از طرف این اداره بعمل خواهد آمد.

رئیس معارف و اوقاف گیلان [امضا]

[حاشیه]: آقای میر مختاری. پرونده ای راجع به مکاتبه با هیات وزراء و مقامات دیگر راجع به ارسال اخبار خبرگزاری پارس برای سرکار فرستادم که در موقع مراجعت مقام وزارت یادآوری فرمایند، این نامه فعلاً بایگانی شود، تا مقام وزارت مراجعت فرمایند، و اقدام شود. ۱۷/۷/۲۹.

آقای میرخان. در پرونده جراید بایگانی فرمائید. ۱۷/۲/۲۲

سند شماره ۱۶۹۸۶/۲۹۷۰ - محل در آرشو ۲۰۴ س ۱۱ آپ ۱

[سند شماره ۲۷]

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، اداره معارف و اوقاف حوزه اصفهان،

شماره ۱۳۲۱

تاریخ ۱۳۱۷/۲/۱۳ ش، محرمانه.

مقام وزارت متبوعه، بخشنامه شماره ۳۱۶ مورخ ۱۷/۷/۱۴ صادره از اداره انطباعات زیارت گردید، جواباً به عرض می‌رساند که اصولاً در اصفهان سه روزنامه انتشار می‌یابد. یکی روزنامه عرفان که به مدیریت آقای احمد عرفان منتشر می‌شود، که از هر جهت و سائل چاپ و انتشار روزنامه بطور مرتب با حروف نو و متناسب مهیا می‌باشد؛ و دیگر روزنامه اخگر به مدیریت آقای امیرقلی امینی، و روزنامه باختر به مدیریت آقای نصرالله سیف پور فاطمی که هر یک جداگانه منتشر می‌شود. برحسب دستور فوق‌الذکر مدیران روزنامه‌های مزبور را برای یک ساعت قبل از ظهر روز سه‌شنبه ۲۳ فروردین ۱۳۱۷ در اداره معارف دعوت نموده و حضوراً مفاد دستور را به آقایان تذکر داده، و عموماً از حسن توجه مقام وزارت به اظهار تشکر نموده، و از اینکه اخیراً با تلگرافات خبرگزاری پارس کمک موثری به انتشار جرائد اصفهان فرموده‌اند، تشکر نموده، ولی چون انتشار روزنامه‌های اصفهان از هر حیث خوب و متناسب و مطابق منویات مقام وزارت متبوعه می‌باشد، برای بهبودی وضعیت آنان نقضی به نظر نرسید تا در رفع آن اقدام به عمل آید جز اینکه وضعیت مالی آنها رضایت بخش نمی‌باشد چه اینکه به اندازه لازم از طرف ادارات دولتی کمک‌های مالی از جهت درج آگهی‌های دولتی و نظائر آنها نمی‌شود، مخصوصاً از اینکه روزنامه عرفان که از روزنامه‌های دیگر بیشتر منتشر می‌شود، از خود چاپخانه مخصوص دارد، اقتضا دارد از هر حیث مورد نظر مخصوص قرار گرفته توجه لازم مبذول فرمایند تا بتواند روزنامه مزبور بیش از پیش و سائل رضایت خاطر مقام وزارت متبوعه را فراهم نماید، و روی هم رفته روزنامه‌های اصفهان از جهت مطالب خوب و انتشار منظم مطلوب و پسندیده و در صورتی که نسبت به اوضاع مالی آنها بذل توجه مخصوص فرمایند از هر جهت رضایت بخش خواهند شد.

رئیس معارف و اوقاف [امضا]

سند شماره ۲۹۷۰۱۶۹۸۴-محل در آرشیو ۲۰۴ س ۱ پ ۱

[سند شماره ۲۸]

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، اداره انطباعات، نمره ۳۱/۶،

به تاریخ ۱۳۱۷/۱۰/۱۵ ش.

اداره معارف و اوقاف - چون وضع روزنامه‌ها و مجله‌های کشور از لحاظ سبک نگارش و طرز چاپ و انتشار چندان مورد پسند وزارت معارف نبود و می‌بایستی اصلاح لازم در وضع عمومی آنها معمول گردد، وزارت معارف در مرکز اقدام لازم برای اصلاح روزنامه‌ها و مجله‌ها بعمل آورده است اینک لزوماً متذکر می‌شود که به وصول این بخشنامه به وسائل مقتضی به مدیران روزنامه‌ها و مجله‌های آن حوزه دستور دهید حتی المقدور روزنامه‌های خود را با حروف نو چاپ نموده، و در نفاست چاپ و گراورها و صحت و طبقه بندی مندرجات و اخبار و انتشار منظم روزنامه یا مجله خود بکوشند، و از این به بعد دقت لازم در اجرای این امر بعمل آورده وصول بخشنامه و نتیجه اقدام خود را گزارش دهید.

از طرف وزیر معارف و اوقاف

[امضا]: سیدمحمد رضوی

شماره سند ۲۹۷۰۱۶۹۸۴. محل در آرشیو ۲۰۴ س ۱ پ ۱

[سند شماره ۲۹]

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، اداره معارف و اوقاف ایالتی فارس، شماره ۸۵۴،

تاریخ ۱۳۱۷/۱۰/۲۵ ش، محرمانه.

اداره انطباعات وزارت معارف و اوقاف. برای اجراء مفاد نامه شماره ۱۷/۷/۱۵.۳۷۶ روز چهارشنبه ۱۷/۷/۲۴ ساعت چهار بعد از ظهر آقایان مدیران روزنامه‌های (گلستان، عصر آزادی، بیان حقیقت، بهار ایران) به اداره معارف دعوت شدند؛ مذاکرات مفصلی در این باب به عمل آمد. دو روزنامه عصر آزادی و گلستان تا اندازه‌ای سر و صورت مرغوبی دارند، ولی نسبت به دو روزنامه دیگر با اینکه تذکراتی داده شد، و مدیران آنها وعده کردند تدابیری برای اصلاح روزنامه خود اتخاذ کنند، معذک تصور نمی‌رود بالاخره بتوانند به شکل آبرومندی

که طرف میل مقام وزارت است روزنامه خود را منتشر کنند، در صورتی که چندی بگذرد و رویه خود را عوض نکنند، به نظر این اداره بهتر آن [۱] است که با ثبت کل مذاکره شود تا از دادن اعلانات به جراند بی معنی جلوگیری به عمل آید. آن وقت بطور قهری و طبیعی از انتشار افتاده و وسیله بهبودی سایر روزنامه ها فراهم خواهد شد.

رئیس معارف و اوقاف فارس
[امضا]: علی ریاضی

[مهر]: وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
شماره سند ۲۹۷۰۱۶۹۸۴. محل در آرشیو ۲۰۴ س ۱ آ پ ۱

[سند شماره ۳۰]

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، اداره انطباعات، دائره مطبوعات، [به تاریخ ۱۳۱۷/۲/۳ ش.]

کتابفروشی ها

با آن که آئین نامه مصوب هیأت وزراء مورخ ۱۶ تیرماه ۱۳۱۶ استعمال خط و زبان خارجی را مطلقاً ممنوع کرده است، لهدا مشاهده می شود که در تقویم سال ۱۳۱۷ آن بنگاه کلمه ها و اعدادی به خط خارجی استعمال و چاپ شده است. اینک اجرای مدلول آئین نامه مزبور را بدینوسیله خاطر نشان می نماید تا در این باب توضیحات کتبی کافی به اداره انطباعات داده و علت اقدام به این امر را صریحاً بنویسند. کفیل اداره انطباعات

[حاشیه]: آقای مدیر مطبوعات. خوب است بطور کلی شرحی به اداره کل شهربانی نوشته شود. ۱۷/۲/۳
کتابفروشی ۱. اقبال ۲. چاپخانه فاروس ۳. تجارخانه نور.
شماره سند ۲۹۷۰۱۵۱۷۴. محل در آرشیو ۸۱۰ ت ۳ آ پ ۱

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، اداره انطباعات

اداره کل شهربانی به طوری که خاطر آن اداره مستحضر است بر طبق آئین نامه مصوب هیأت وزراء (جلسه ۱۶ تیرماه ۱۳۱۶) که اجرای آن طی بخشنامه نمره ۵۸۸۶/۱۶/۴۲۲ ریاست وزراء ابلاغ شد و در همان هنگام در تمامی روزنامه های مرکز درج گردید، علاوه بر وزارتخانه ها و مقامات دولتی کلیه بنگاههای عمومی و بانکها و شرکتها و تجار و پیشه وران و افزارمندان نیز موظفند کلیه دفاتر اوراق نوشته و کارهای مربوط به حسابداری و تجاری و غیره خود را مطلقاً به خط و زبان فارسی تهیه نمایند، (مگر در مواردی که در آئین نامه تصریح و استثنا شده است). اخیراً که بر طبق قانون مطبوعات تقویمهای سال ۱۳۱۷ به اداره انطباعات این وزارتخانه رسیده، مشاهده شد که در بعضی از آنها مثل تقویمهایی که از طرف مدیر بنگاه بایر در تهران و کتابفروشی اقبال و چاپخانه فاروس (به خط و زبان لاتینی و ارمنی) و شرکت سهامی نور منتشر گردیده، بعضی حروف و اعداد به خط لاتینی چاپ شده است؛ علیهذا ملزوماً مراتب به اطلاع آن اداره می رسد که دستور فرمایند نسبت به اجرای مقررات آئین نامه نامبرده اقدام مقتضی به عمل آورند.

وزیر معارف و اوقاف

[حاشیه]: فرمودند بایگانی شود. ۱۳۱۷/۲/۵ ش.
شماره سند ۲۹۷۰۱۵۱۷۴. محل در آرشیو ۸۱۰ ت ۳ آ پ ۱

سیر نزولی مطبوعات در دوره فعالیت اداره راهنمای نامه نگاری

سرگرم کننده، رمانهای پاورقی و مسائل ساده اجتماعی محدود ساخت. گونی حوادث سالهای قبل از جنگ جهانی دوم اصلاً روی نمی داد تا در روزنامه های ما مورد تفسیر قرار گیرد و ایرانیان را به جریانات سیاسی آشنا سازد.

در حالی که طی پانزده سال دوم ۴۸۹ عنوان جدید به فهرست مطبوعات اضافه شده بود، طی شانزده سال ۱۳۰۴-۱۳۲۰ در پی توقیف و تعطیل تدریجی عنوان های سابق به استثنای دو سه تا، فقط ۲۵۱ عنوان جدید تحت مقررات

از نظر تعداد عناوین نشریات در پنج سال ۱۳۰۰-۱۳۰۴ سیصد و چهار عنوان تازه به مطبوعات افزوده شد که نصاب آن با ۸۰ عنوان به هر یک از دو سال ۱۳۰۱ و ۱۳۰۲ تعلق گرفت. اهمیت مطبوعات در سطح کشور برای دومین دفعه نمودار شد، و مطبوعات به قول معروف امتحان خود را دادند. ولی قبولی در این امتحان عکس العملی را بلافاصله پس از انتقال قدرت باعث شد. اختناق سیاسی گلوی مطبوعات را بیش از هر قسمت و تاءسیس دیگر فشرده، و روزنامه ها و مجلات معدودی را هم که انتشار داشتند، متدرجاً به مطالب

زه به وجود آمد. رقم ۱۹۵ عنوان روزنامه و هفته نامه سیاسی بود (۵۰). در
 وره دوم به استناد فهرست تهیه شده توسط اداره راهنمای نامه نگاری در
 تاریخ ۱۳۱۹۷/۲۱ ش. [دوره ریاست عبدالرحمن فرامرزی] به ۴۹ روزنامه، مجله

و ماهنامه تقلیل یافت که فهرست کامل کلیه روزنامه‌ها و مجلات بشرح زیر
 بوده:

فهرست نشریات کشور در دوره تصدی عبدالرحمن فرامرزی بر اداره راهنمای نامه نگاری

[سند شماره ۳۱]

وزارت کشور، اداره راهنمای نامه نگاری، شماره ۲۰۶۱۸۷، بتاريخ ۱۳۱۹/۷/۲۱ [ش.].

وزارت فرهنگ - اداره کل نگارش - چون فهرست کامل کلیه روزنامه‌ها و مجلات ملی و دولتی پایتخت و شهرستانها برای این اداره
 نهایت لزوم دارد، خواهشمند است مقرر فرمایند صورت کاملی از آنها را با ذکر: محل انتشار، و نام و نشان مدیران هر یک به این اداره ارسال
 دارند.

رئیس اداره راهنمای نامه نگاری

[امضا]: عبدالرحمن فرامرزی

[حاشیه]: دایره مطبوعات - فهرست لازم را آقای فخرایی تهیه نمایند. ۱۹۷/۲۳.

ردیف	نام روزنامه	مدیر روزنامه	محل انتشار	ردیف	نام روزنامه	مدیر روزنامه	محل انتشار
۱	روزنامه‌های پایتخت			۲۶	روزنامه گلستان	آقای تقی گلستان	شیراز
۲	روزنامه ایران	آقای مجید موقر	تهران	۲۷	روزنامه اراک	آقای باقر موسوی	اراک
۳	روزنامه اطلاعات	آقای عباس مسعودی	تهران	۲۸	روزنامه استوار	آقای ابوالفضل طهماسبی	قم
۴	روزنامه ستاره ایران	آقای احمد ملکی	تهران	۲۹	روزنامه کرمانشاه	آقای فرج الله کاویانی	کرمانشاه
۵	روزنامه تجدد ایران	آقای سیدمحمد طباطبایی	تهران	۳۰	روزنامه شیرکوه	آقای احمد مدیر	یزد
۶	روزنامه کوشش	آقای شکرالله صفوی	تهران	۳۱	مجله‌های پایتخت		
۷	روزنامه زورنال دو تهران (فرانسه)	آقای عباس مسعودی	تهران	۳۲	مجله مهرگان	آقای مجید موقر	تهران
۸	روزنامه توفیق	آقای محمدعلی توفیق	تهران	۳۳	نامه اطلاق بازرگانی	آقای عباس مسعودی	تهران
۹	روزنامه وراژنود	آقای هایک کاراکاش	تهران	۳۴	مجله ماهیانه گمرک	از انتشارات گمرک	تهران
۱۰	روزنامه الیک (به زبان ارمنی)	آقای آوانسیان	تهران	۳۵	نامه راه	آقای محمد سمیعی از انتشارات وزارت راه	تهران
۱۱	روزنامه کانون	آقای حسین مطیعی	تهران	۳۶	مجله بانک ملی ایران	از انتشارات بانک ملی ایران	تهران
۱۲	روزنامه‌های شهرستانها			۳۷	مجله پیمان	کسروی تبریزی	تهران
۱۳	روزنامه نوروز	آقای اسدالله نوروزی	قزوین	۳۸	مذاکرات مجلس	از انتشارات قانونگذاری مجلس	تهران
۱۴	روزنامه تورافشان	آقای محمدعلی علوی	بوشهر	۳۹	نامه شهرپاکی	پارسپور ۲ پارت از انتشارات شهرپاکی	تهران
۱۵	روزنامه خلیج ایران	آقای یوسف اخوت	بوشهر	۴۰	نامه بازرگانی	از انتشارات وزارت بازرگانی	تهران
۱۶	روزنامه طوس	آقای میرمرتضی روئین تن	مشهد	۴۱	مجله دامپزشکی	از نشریات کشاورزی	تهران
۱۷	روزنامه آزادی	آقای گلشن آزادی	مشهد	۴۲	مجله موسیقی	سرگرد مین باشیان	تهران
۱۸	روزنامه سهند	آقای حقان	تبریز	۴۳	مجله ایران امروز	آقای محمد حجازی	تهران
۱۹	روزنامه شاهین	آقای آقازاده	تبریز	۴۴	نامه کانون شعرا	آقای حسین مطیعی	تهران
۲۰	روزنامه یومیه تبریز	آقای حسین تبریزی	تبریز	۴۵	مجله ارمنان	آقای وحید دستگردی	تهران
۲۱	روزنامه کمالی	آقای ا.ع. کمالی	همدان	۴۶	مجله رسمی دادگستری	از انتشارات وزارت دادگستری	تهران
۲۲	روزنامه اختر	آقای سیف پور فاطمی	اصفهان	۴۷	مجموعه حقوق	از انتشارات وزارت دادگستری	تهران
۲۳	روزنامه آخگر	آقای امیرقلی امینی	اصفهان	۴۸	مجله آموزش و پرورش	وزارت فرهنگ	تهران
۲۴	روزنامه عرفان	آقای احمد عرفان	اصفهان	۴۹	مجله دکتر علی رشتی	آقای دکتر علی رشتی	تهران
۲۵	روزنامه سپید رود	آقای مدنی	رشت		مجله تربیت بدنی و پیشاهنگی	کفیل اداره پیشاهنگی	تهران
۲۶	روزنامه پیداری	آقای محمد هاشمی	کرمان				
۲۷	روزنامه صدای کرمان	آقای عباس ملاباشی	کرمان				

مکاتبات ادغام خبرگزاری پارس در اداره راهنمای نامه نگاری

خبرگزاری پارس یا آژانس پارس

مسعودی در سال ۱۳۰۵ مجوز انتشار روزنامه اطلاعات را گرفت، و این نشریه در تیر ماه همان سال منتشر شد. ولی در حقیقت خبرگزاری و روزنامه بود، و هر دو در یک مکان به فعالیت خود ادامه می دادند. در سال ۱۳۱۳ ش. حاکم وقت اهمیت حرکت عباس مسعودی را دریافت، و لذا

دستور تأسیس مرکزی را داد تا اخبار مملکتی را گردآوری و در اختیار مطبوعات قرار دهد (۵۱). از این رو این مرکز به نام «آژانس پارس» در ۹ مرداد ۱۳۱۳ ش. به منظور مرکزی برای کسب و نشر اخبار جهان و اطلاعات داخلی مملکت (۵۲) در وزارت امور خارجه تأسیس شد، (۵۳) و پس از تشکیل اداره راهنمای نامه نگاری مقرر شده بود که خبرگزاری پارس هم از وزارت امور خارجه به وزارت داخله منتقل و جزء اداره مزبور شود که در اسناد وزارت خارجه آمده است؛

[سند شماره ۳۲]

وزارت امور خارجه، اداره محرمانه، شماره ۱۸۱۵، تاریخ ۱۶/۸/۲۴ [۱۳ ش.]

ریاست وزرا - بطوری که خاطر محترم مسبوق است، هنگام تشکیل اداره نامه نگاری مقرر شده بود خبرگزاری پارس هم از وزارت امور خارجه به وزارت داخله منتقل، و جزو اداره مزبور شود؛ آقای دشتی نیز در همان موقع مراتب را به وزارت امور خارجه اظهار داشتند، ولی برای اینکه انتقال فوری خبرگزاری پارس موجب کثرت کار و بالتبیین عدم پیشرفت امور اداره نامه نگاری نشود، وزارت امور خارجه مقتضی دانست که انجام این مقصود قدری به تاخیر افتد، چون در این چند روز اخیر مقرر شده است که اخبار خبرگزاری پارس برای انتشار در روزنامه ها قبلاً به اداره نامه نگاری فرستاده شده، و بوسیله اداره مزبور به جراید داده شود، و چون ممکن است از اجرای این ترتیب در سرعت جریان امور اداره وقفه تولید گردد، و نظر به اینکه که آقای دشتی هم در این مدت به جریان کارهای اداره نامه نگاری آشنائی پیدا کرده اند، لذا وزارت امور خارجه مقتضی می داند به همان طریقی که در بدو تشکیل اداره نامه نگاری منظور شده بود، خبرگزاری پارس قطعاً جزو اداره مزبور گردد، بنابراین مراتب را بعرض می رساند تا در صورت تصویب از همان قرار رفتار شود.

وزیر امور خارجه [امضا] : عنایت الله سمیمی

[حاشیه] فوری است.

- مانعی ندارد.

ریاست وزراء، شماره ۱۲۳۲۴، تاریخ ۱۳۱۶/۱/۲۹ ش. فوری است.

وزارت داخله - بطوری که در بدو تشکیل اداره نامه نگاری مقرر شده بود که خبرگزاری پارس از وزارت خارجه به وزارت داخله منتقل گردد، و من باب آن که وسائل این امر آماده نبود، تاکنون تصمیم فوق عملی نگردیده، و اکنون که مواعی در کار نیست، و طبق نامه که از وزارت امور خارجه رسیده، تقاضای انتقال فوری خبرگزاری پارس را به آن وزارتخانه نموده اند. لهدا قداغن فرمایید برای انجام منظور سریعاً اقدام فرمایند.

رئیس الوزراء [امضا] : قلمزن

رونوشت نامه بالا در پاسخ نامه شماره ۱۸۱۵ - ۱۶/۸/۲۴ [۱۳] به وزارت امور خارجه ارسال شود.

رئیس دفتر ریاست وزراء: قلمزن

[سند شماره ۳۳]

وزارت داخله، اداره کل شهربانی، اداره نگارشات، نمره ۲۷۴۱۰/۸۳۵، بتاريخ ۱۵/۱/۱۰ [۱۳ ش.]، محرمانه است. وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه - عطف به مرقومه نمره ۸۸۳۹/۶۹۸۷۸، راجع به اخذ التزام از مدیر جریده استوار توسط شهربانی قم به استحضار می رساند، بر طبق تصویب هیأت وزراء و مرقومات واصله از وزارت داخله، کلیه اخبار باید به وسیله آژانس پارس داده شود، و جراید غیر از اخبار مزبور نمی توانند اخبار دیگری را درج و منتشر نمایند.

رئیس اداره کل شهربانی [امضا] : رکن الدین مختار

شماره سند ۱۶۹۸۵-۲۹۷۰-محل در آرشیو ۲۰۵ س ۱ آپ ۱

بغام خبرگزاری پارس در اداره کل انتشارات و رادیو
 ولی عاقبت در سال ۱۳۱۹ ش. که اداره کل انتشارات و رادیو بوجود آمد،
 تیرگزار پارس از وزارت امور خارجه به این اداره منتقل گردید، و در آغاز
 آن «دفتری» بیش نبود. و تا این زمان رادیو کامل از سیاست بدور بوده که طبق

سند پیوست مقرر گردیده که اخبار آژانس پارس نیز در رادیو گفته شود (۵۴).
 ولی می بایست این مطالب از طریق رئیس دولت برای رادیو فرستاده می شد
 و در اسناد آمده است:

بخش مطالب سیاسی مجاز از رادیو

[سند شماره ۳۲]

سازمان پرورش افکار، کمیسیون رادیو، دفتر، بتاريخ ۱۳۱۹/۲/۵ ش. بکلی محرمانه است.

جناب آقای [امیر] خسروی وزیر دارایی و رئیس کمیسیون رادیو - حسب الامر تلفنی روز پنجشنبه ۶ تیر ماه در دفتر مخصوص شاهنشاهی حضور بهم رسانیده و اوامر ملوکانه بشرح ذیل ابلاغ گردید:
 «تایحال رادیو از سیاست خارجی برکنار بوده، و حتی مقرر بود که اخبار آژانس پارس هم در رادیو گفته نشود، ولی از این به بعد اجازه داده می شود مطالب سیاسی در رادیو گفته شود؛ این گونه مطالب که از طرف رئیس دولت برای رادیو فرستاده می شود، بایستی به زبان فارسی و یا به هر چند زبان بیگانه ای که تعیین می شود، در روز و ساعت معین گفته شده، و رونوشت آن گفتار با تعیین ساعت و روزی که در رادیو گفته شده، برای استحضار دفتر مخصوص شاهنشاهی تقدیم شود.»
 رونوشت محض استحضار خاطر عالی معروض داشت.

رئیس کمیسیون رادیو [امضا] محمد حکیمی

شماره سند ۲۴۰۰۱۱۱۴۲ - محل در آرشبو - ۳۱۱ ط ۳۱۵

پی نوشت ها:

- ۱- گوئل کهن، تاریخ سانسور مطبوعات (تهران: نشر آگاه، ۱۳۶۲ ش.) ج دوم، ص ۲.
- ۲- سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران. شماره سند ۲۹۳۰۰۰۹۷۲ - ۲۹۳۰۰۰۹۷۲
 محل در آرشبو ۸۳۲ ط ۲ ب ۱۱
- ۳- مکی، حسین. تاریخ بیست ساله ایران (تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۹ ش.) ج اول، صص ۲۳۳ - ۲۳۴
- ۴- قاسمی، سید فرید. راهنمای مطبوعات ایران عصر قاجار (تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها، ۱۳۷۲ ش.) ص ۴۰
- ۵- کاتوزیان، محمد علی. اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی (تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۲ ش.) ص ۱۲۳
- ۶- سازمان اسناد و ... همان، شماره تنظیم ۵۸۰۱، شماره پاکت ۲۲۴۲.
- ۷- آبرو نسائید. خاطرات سری آبرو نسائید، به انضمام ترجمه کامل شاهزاده فرماندهی (تهران: مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی و مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۳ ش.) ص ۳۶۰
- ۸- شیخ حسین یزدی، آیت الله مدرس، حاج مجدالدوله، فرمانفرما، رهنما، دشتی، فرخی، فدائی، ملک الشعرای بهار و سید هاشم و به نقل بهار «خلاصه هر کس از هر حزب و از هر عقیده و مسلک که بود، حبس شد. ملک الشعرای بهار، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران (تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۱ ش.) ج دوم، صص ۲۰ - ۱۹
- ۹- همان، ج دوم، ص ۲۰
- ۱۰- دشتی، علی. پنجاه و پنج (تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۵۴ ش.) ص ۹۰
- ۱۱- کوهستانی نژاد، مسعود. «سیری در علل و عوامل توقیف سانسور جراید در ایران از ابتدای تا سال ۱۳۵۷»، قسمت چهارم، روزنامه سلام، سال ششم، شماره ۱۵۰۷ (کتابخانه ۴ شهریور ۱۳۷۵ ش.) ص ۶
- ۱۲- سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۹۷۰۰۶۵۷۲، محل در آرشبو ۱۲۹ ط ۳ آ ب ۱
- ۱۳- مجله خواندنیها، دوره سوم، شماره دوازدهم (جمعه ۲۲ آبان ۱۳۲۱ ش.) ص ۱۹
- ۱۴- انتقاضی تعیین حدود عملکرد مأمور سانسور در زمینه درج مقالات انتقادآمیز در جراید
 وزارت داخله، اداره کل تشکیلات نظمی، سواد ایپورت دبیره اطلاعات نمره ۱۸، نمره



سرپاس رکن الدین مختار

۲۴- مؤلف مقاله سانسور در ایران می نویسد: رشد سریع استبداد کار راه جایی رساند که ... در این قسمت از تاریخ ایران باقی مانده، خاطرات پرانگنده ایست که روزنامه نگاران و حتی بعضی از رجال آن دوره سالهای بعد در سالنامه هایا خاطرات خود نوشته اند به هر حال سه روزنامه توانستند به چاپ و نشر خود ادامه دهند. «کوشش»، «اطلاعات» و «مهر ایران» که این آخری یک بار هم دست به دست شد. ساعدی، غلامحسین. همان، ص ۶

۲۵- روزنامه اطلاعات. اطلاعات در یک ربع قرن (حوادث مهم در یک ربع قرن) (تهران: روزنامه اطلاعات، ۱۷ مهر ۱۳۲۹ ش.)، صص ۱۴-۱۵

۲۶- مجله خواندنیها، سال نهم، شماره ۳۶، همان، ص ۱۵

۲۷- فرهنگ فهرستی، عطاءالله، اسامی نمایندگان مجلس شورای ملی از آغاز مشروطیت تا دوره ۲۴ قانونگذاری و نمایندگان مجلس سنادر هفت دوره تقنینیه از ۱۲۵۰۸ تا ۱۲۵۳۶ (تهران: انتشارات مجلس شورای ملی، ۱۲۵۳۶ ش.)، ص ۱۱۳

۲۸- بهزادی، علی. شبهه خاطرات (تهران: انتشارات زرین، ۱۳۷۶ ش.)، ج اول، چاپ سوم، ص ۲۲۶

۲۹- خواجه نوری، ابراهیم. یازدهگان عصر طلایی (تهران: انتشارات کتابهای حبیبی، ۱۳۳۱ ش.)، چاپ دوم، ص ۱۷۹

۳۰- عاقلی، باقر. ذکاءالملک فروغی و شهرپور ۱۳۲۰ ش. (تهران: انتشارات سخن و انتشارات علمی، ۱۳۶۷ ش.)، ص ۱۷۵

۳۱- مرسلوند، حسن. زندگینامه رجال و مشاهیر ایران (۱۲۹۹-۱۳۲۰ ش.)، ج سوم (تهران: انتشارات الهام، ۱۳۷۳ ش.)، ص ۲۲۱

۳۲- سازمان اسناد و ... همان، شماره سند ۲۹۳۰۰۰۳۷۶-مجله در آرشیبو ۱۳۰۸ الف تا الف تا

۳۳- مکی، حسین، همان، ج ۵ ص ۴۸۵

۳۴- سازمان اسناد و ... همان

۳۵- دشتی، علی. ایام محبس (تهران: انتشارات صفی علیشاه، بی تا) چاپ چهارم، ص ۱۸۷

۳۶- صفایی، ابراهیم. چهل خاطره از چهل سال، اقباله «شبی بادشبی» (تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۳ ش.)، ص ۲۲۱

۳۷- هدایت، مهدیقلی (مخبر السلطنه) - خاطرات و خطرات (نوشته ای از تاریخ شش پادشاه و گوشه ای از دوره زندگی من) (تهران: انتشارات زوار، ۱۳۷۵ ش.)، چاپ پنجم، ص ۴۱۲

۳۸- آرزین پور، حبیبی. از نیماتاروزگان مارچ سوم، (تهران: انتشارات زوار، ۱۳۷۴ ش.)، ص ۳۲۱

۳۹- صفایی، ابراهیم. همان، ص ۲۲۲

۴۰- مصاحب، غلامحسین. دسیسه های علی دشتی (بی جا، بی نامی تا) صص ۳۰-۳۱

۴۱- سازمان اسناد و ... همان، شماره تنظیم ۱۱۳۰۱۵، پاکت ۱۱۱۲۶

۴۲- سیفی فمی نفرشی، مرتضی. پلیس خفیه ایران (امروزی پررخدادهای سیاسی و تاریخچه شهرتانی شهرتانی ۱۲۹۹-۱۳۲۰ ش.)، تهران: انتشارات فقیوس، ۱۳۶۸ ش.

چاپ دوم، ص ۲۰۵

۴۳- سازمان اسناد و ... همان، شماره تنظیم ۱۱۳۰۱۵، شماره پاکت ۱۱۱۲۶

۴۴- آل احمد، جلال، ادب و هنر امروز ایران (مجموعه مقالات ۱۳۲۸-۱۳۲۴ ش.)، (تهران: نشر میترا- نشر همکلاسی، ۱۳۷۳ ش.)، ص ۷۴۸

۴۵- سازمان اسناد و ... همان، شماره تنظیم ۱۱۳۰۱۵- شماره پاکت ۱۱۱۲۶

۴۶- عبدالرحمن فرامرزی فرزند شیخ عبدالواحد در سال ۱۲۷۶ ه. ق. در لار فارس بدینا آمد و تحصیلاتش را در فارس، بحرین و عربستان گذراند، از سال ۱۳۰۲ ش. وارد خدمت در وزارت فرهنگ شد و در مدارس متوسطه و سیاسی (دارالمعلمین) بتدریس ادبیات، فلسفه، عربی پرداخت، و مدتی هم عضو وزارت امور خارجه بود.

در زمان رضاشاه که اداره راهنمای نامه نگاری تاسیس شد ریاست آن به عهده علی دشتی واگذار شد فرامرزی برای همکاری در آن اداره دعوت شد. پس از آن که دشتی به نمایندگی مجلس انتخاب شد، ریاست اداره مذکور به فرامرزی محول گردید. مهدی نیا، جعفر. زندگی سیاسی رزم آراه، (تهران: انتشارات پاسارگاد، ۱۳۷۲ ش.)، چاپ پنجم، صص ۱۰۶-۱۰۷

۴۷- صفایی، ابراهیم. همان، ص ۲۲۲

۴۸- سیفی فمی نفرشی، مرتضی، همان، صص ۲۰۵-۲۰۶

۴۹- معتمد، خسرو. پلیس سیاسی عصر بیست ساله، تهران: انتشارات جانزاده، ۱۳۶۹ ش. ص ۳۵۰

۵۰- برزین، مسعود. تجزیه و تحلیل آماری مطبوعات ایران (تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها، ۱۳۷۰ ش.)، ص ۱۸

۵۱- فاسم زاده، محمد. ایران سال، نخستین شماره، سال ۱۳۷۴ ش.، ص ۲۷۶

۵۲- عاقلی، باقر. روزشمار تاریخ ایران (از مشروطه تا انقلاب اسلامی) (تهران: نشر گنتار، ۱۳۶۹ ش.)، ص ۲۰۰

۵۳- مصاحب، غلامحسین. دایره المعارف فارسی (تهران: انتشارات فرانکلین، ۱۳۴۵ ش.)، ص ۸۸۴

۵۴- همان، ص ۸۸۴



وزارت داخله

اداره
دایره

نظامنامه اداره راهنمای نامه نگاری

ماده ۱- برای نظارت در کار مطبوعات اداره بنام اداره راهنمای نامه نگاری در وزارت داخله تشکیل میگردد و اداره مزبور تشکیل میپذیرد بر پایه نگاری وانجمن نامه نگاری و پانداوه حاجت اعضاء و مشرجمین انجمن نامه نگاری مرکب خواهد بود از نمایندگان وزارت خارجه و وزارت معارف و اداره کل شهر بانی که هر روز یکبار است مدیر نامه نگاری جلسات خود را منعقد میگردانند .

ماده ۲- وظیفه انجمن نامه نگاری بررسی در کار جراید و کمک به مدیریت نامه نگاری است در انجام تکالیفی که اداره راهنمای نامه نگاری برعهده دارد .

ماده ۳- وزارتخانه ها و ادارات دولتی و شهرداری مکلفند هر روز اطلاعات و اخباری را که مناسب بدانند در اختیار اداره راهنمای نامه نگاری بگذارند و همچنین از ترجمه جراید و رساله های خارجی که برای حوائج خود تهیه میکنند روزنوشته با اداره مزبور ارسال دارند اخبار و اطلاعات و ترجمه های مذکور در روایات بنمایند اداره راهنمای نامه نگاری داده خواهد شد .

اداره راهنمای نامه نگاری اخبار و اطلاعات و ترجمه های فوق الذکر را بلافاصله وارسی کرده قسمتی را که مخالف قانون مطبوعات یا حاضر به سیاست دولت و اخلاقی عمومی نباشد به مخبرین روزنامه ها بفرستد و تکلیف است برای اینکار روزی دو مرتبه قبل از ظهر و بعد از ظهر در ساعت معین مخبرین جراید را بپذیرند .

روزنامه ها میتوانند خود نیز اخباری تحصیل و یا ترجمه هایی تهیه کرده و با اجازه اداره راهنمای نامه نگاری نشر نمایند ولی اداره راهنمای نامه نگاری نمیتواند مادام که خود اخبار مزبور را بدست نیآورده باشد آنها را به مخبرین سایر روزنامه ها بدهد .

ماده ۴- اداره راهنمای نامه نگاری بوسیله مختلفه (دادن کنفرانسها - ایجاد کانون مطبوعات - تهیه مجلات و کتب و تصاویر مفیده و جمع آوری قوانین و نظامات سایر ممالک و ارائه آنها به ارباب جراید) سعی خواهند نمود جنبه تربیت و تعلیم روزنامه ها را تکمیل نموده و جراید را به ترویج خدمات عمومی و تقویت روح ملی و تحریک عواطف وطن پرستی تشویق کند .

ماده ۵- اداره راهنمای نامه نگاری باید مراقب باشد که :

- الف - مقررات این نظامنامه و قوانین تاحدی که مربوط به مطبوعات است کاملاً مراعات و بگیری گردد .
- ب - روزنامه های ایران سیاست دولت و مصالح ملی را مستحشمرده و بخلاف آن چیزی ننویسند .

۱۰۴۱۵

۱۱۹۹۷



وزارت خارجه

اداره
دایره

- ج - روزنامه ها اصول سیاست داخلی و خارجی دولت را با اطلاع عموم برسانند و انگار عامه را بخواهند و اهمیت اقدامات دولت آگاه سازند و مردم را با اتحاد و اتحادیه نفس و هوش بکار و مفاخرت بی ادب و شعاع توطئه تحریک کنند و ضروری را در آنگاه تقویت نمایند و از درج هرگونه اخبار یا مقالاتی که میان این عواطف و افکار باشد خود داری نمایند .
- د - از نشر مطالبی که منافی حیثیت کشور یا مغل به امنیت داخلی و مضربه روابط خارجی دولت باشد دوری نمایند .
- ه - از نقل اخبار درج مقالاتی که تولید نفرت یا رنجش بین افراد ملت یا طبقات مختلفه آن نماید احتراز کنند .
- و - اخبار و رواقع و مطالب خلاف حقیقی که مبیح افکار عمومی باشد نشرند هند .
- ز - از نشر هر مطلبی که مضربه اعتبار پول کشور باشد یا موجب تزلزل اعتماد مردم نسبت بآن در داخله یا خارجه بشود اجتناب کنند .
- ح - ادعای نامه و هر قسم اوراق دیگری را که مربوط به تعقیبات جنائی و جنحه است قبل از قرائت آنها در جلسه علنی محکمه نشر ند هند همچنین از انتشار بذ اکثرات حکام در صورتیکه محاکمه سری باشد خود داری کنند .
- ط - با جرایم و مؤسسات نامه نگاری سایر ممالک روابط مؤثری ایجاد بشود و با وسائل مختلف ایران و ترقیات آنها در خارج مغربی کنند و بر علیه هر نوع تبلیغات نامساعدی قویا مبارزه نمایند .
- ی - مطالب روزنامه های سایر ممالک از حیث سیاست خارجی دول و تمایلات آنها و از لحاظ رویه که در اصلاحات داخلی دارند در جرایم ایران نقل و بحث بشود .
- ماده ۶ - اداره راهنمای نامه نگاری باید راجع به اوضاع و احوال کشور و ترقیات آن چه از لحاظ اصلاحات داخلی و اقتصادی و سیاسی و تجاری رجه از حیث مناظر طبیعی و سیاسی رساله ها و مقالات بصورتی تهیه کرده در ایران و در خارج منتشر سازند .
- ماده ۷ - اداره راهنمای نامه نگاری مکلف است از منتخب قطعات جرائد و صورت تلکرافات راجع بحوادث مهمه مسلحانه ممالک با نصاری و بیاداری که بدست بیاید جنگ منظمی ترتیب بدهد و همچنین راجع برجال سیاسی معروف آن ممالک به ترتیب فوق شرح احوالی تنظیم نماید .
- ماده ۸ - اداره راهنمای نامه نگاری میتواند روزنامه های خارجی یا شماره از آنها را که مضربه اند از ورود بایران یا توزیع آنها در ایران جلوگیری نماید .

۱۰۳۰۱۵

۱۱۹۶۷



وزارت معارف و اوقاف

و صنایع مستظرفه

اداره اسناد و کتابخانه ملی

دایرة

دایرة مجریه اخطاها

بجمله تراغراف معارف مذکور (۶) محترم (۱۳۰۲) تصدیق شد که آنگاه فراموش گردید

- (۱) - بریه (بنی ناشی) بنام آقا حسن میرزا
- (۲) - بریه (فزا والین) بنام میرزا محمد تقی شریف باقرزاده در حدیقه خدمت دولت با منظر دولت باشد
- (۳) - بریه (دست بهنیم) بنام شیخ ابوالکلام نهافر
- (۴) - بریه (گرا) بنام میرزا رضا خان کسینو در حدیقه خدمت دولت با منظر دولت باشد
- (۵) - بریه (محمدرضا) بنام حاج میرزا کاظم زاده در حدیقه خدمت دولت با منظر دولت باشد
- (۶) - بریه (حجرت) بنام میرزا عبدالعزیز خان وزیر نظامی در حدیقه خدمت دولت با منظر دولت باشد
- (۷) - بریه (شرافت) بنام میرزا کاظم میرزا علی در حدیقه خدمت دولت با منظر دولت باشد
- (۸) - بریه (شمال ایران) بنام میرزا ابراهیم میرزا در حدیقه خدمت دولت با منظر دولت باشد
- (۹) - بریه (صمدیه) بنام میرزا سید صادق کجا بی شیرازی در حدیقه خدمت دولت با منظر دولت باشد
- (۱۰) - بریه (شجاع) بنام شجاع الله در حدیقه خدمت دولت با منظر دولت باشد
- (۱۱) - بریه (عبدالرزق) بنام میرزا بهارالدین در حدیقه خدمت دولت با منظر دولت باشد
- (۱۲) - بریه (سیدالشهدا) بنام میرزا سعید میرزا در حدیقه خدمت دولت با منظر دولت باشد
- (۱۳) - بریه (آینه افکار) بنام میرزا علی محمد خان قوام لطفان در حدیقه خدمت دولت با منظر دولت باشد
- (۱۴) - بریه (دانش کاروانی) بنام میرزا محمد علی خان صفی در حدیقه خدمت دولت با منظر دولت باشد
- (۱۵) - بریه (فلاح) بنام میرزا حبیب الله در حدیقه خدمت دولت با منظر دولت باشد
- (۱۶) - بریه (افکار سوده) بنام میرزا ابوالقاسم در حدیقه خدمت دولت با منظر دولت باشد
- (۱۷) - بریه (اطهت) بنام میرزا علی اکبر خان در حدیقه خدمت دولت با منظر دولت باشد
- (۱۸) - بریه (صدای شرق) بنام آقا سید محمد در حدیقه خدمت دولت با منظر دولت باشد
- (۱۹) - بریه (فرمانگ) بنام آقا شیخ محمد کاظم در حدیقه خدمت دولت با منظر دولت باشد
- (۲۰) - بریه (سایه حقیقت) بنام سنان دیلان شیرازی در حدیقه خدمت دولت با منظر دولت باشد
- (۲۱) - بریه (کونان) بنام محمد حسین خان شیرازی در حدیقه خدمت دولت با منظر دولت باشد
- (۲۲) - بریه (مردان) بنام لطفعلی خان در حدیقه خدمت دولت با منظر دولت باشد

شورای عالی معارف
۱۳۰۲



نظنه طهران

La Police de Téhéran

تعمیر وزارت عدولت

روزنامه سه شنبه ۱۵۳۳ هجری قمری

در بیان حال و احوال وزارت عدولت

موضوع این مقاله

توسعه آن است

در این طبع

مطالعات

اصول

در امور

این

Handwritten signature

Vertical handwritten text on the right margin

Madrasa

تاریخ ۹/۱۵ ماه ۱۳۱۵
شماره ۱۱۸۵۰ شمسی
۵۵۸۲۷



وزارت داخله

اداره

دایره

ریاست وزراء

بشمی که خاطر مبارک مستحضراست چندی قبل تیمسار سرپاس مختاری امر مطاع مبارک را ابلاغ کردند که اداره نامه نگاری برای نوشتن مقالات روزنامه ها چند نفر نویسنده قابل اجیر نماید و حقوق آنها را بپردازد چون در بودجه اداره نامه نگاری محلی برای حقوق آنها نبود اداره نامبرده اعتبار حقوق نویسندگان مزبور را با تصویب تیمسار سرپاس مختاری تهیه و مبلغ ۹۸۰۰ ریال برای حقوق چهار ماه آنها تقاضا کرده که با تضمین مبلغ ۱۲,۰۰۰ ریال که برای تکمیل اناثیه خود لازم داشتند بوزارت مالیه نوشته شد و تقاضا کردید مبلغ مزبور را بطور قرض بوزارت داخله بدهند .
نظر باینکه وزارت مالیه از تاریخ ۱۶/۸/۵ به نامه وزارت داخله جوابی نداده اند و جناب آقای وزیر مالیه همان قسم که خاطر مبارک مستحضراست در هیئت دولت هم با وجود مذاکرات متوالیه تصمیمی اتخاذ نفرمودند و از طرفی تعویق در اجرا امر مطاع ممکن است موجب مسئولیت واقع گردد مراتب را محروض داشت که از امر لازمه بعهد وزارت مالیه صادر فرمایند .

شؤون
وزارت
۱۵/۹/۱۳۱۵

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
تاریخ ۱۹۲۹
شماره ۱۳۲۸۸

تاریخ ۱۹/۹/۱۳۱۵
معاونت
وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه